

نظام حقوق مالکیت فکری مناسب برای کشورهای در حال توسعه: با اشاراتی در مورد ایران^۱

وحید بزرگی*

پذیرش: ۹۷/۴/۲۴

دریافت: ۹۷/۱/۲۱

حقوق مالکیت فکری / توسعه اقتصادی / موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری
(تریپس) / سازمان تجارت جهانی / ایران

چکیده

یکی از پرسش‌های دائمی در مورد حقوق مالکیت فکری این است که نقش حقوق مالکیت فکری در توسعه اقتصادی کشورها چیست و چه نوع نظام حقوق مالکیت فکری برای کشورهای در حال توسعه مفیدتر است. برای پاسخ به این پرسش دوگانه، در پژوهش حاضر از یک سو به بررسی مطالعات و تحقیقات تجربی در مورد آثار درون‌زاد و برون‌زاد حقوق مالکیت فکری و از سوی دیگر به بررسی سیر تحول نظام حقوق مالکیت فکری سه اقتصاد نوظهور هند، کره جنوبی و چین پرداخته شده تا رهنمودهایی در مورد ایران ارائه شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حقوق مالکیت فکری تأثیری مثبت بر توسعه اقتصادی داشته و کشورهای در حال توسعه بهتر است هماهنگ با توسعه اقتصادی خود به تقویت نظام حقوق مالکیت فکری خود پردازند.

طبقه‌بندی JEL:

۱. مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی نظام حقوق مالکیت فکری ایران و ارائه پیشنهادات سیاستی» است که در مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی اجرا شده است.

مقدمه

حقوق مالکیت فکری در معنای وسیع کلمه عبارت است از حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری. حقوق مالکیت فکری معمولاً به دو حوزه تقسیم می‌شود: ۱- حقوق مالکیت صنعتی^۱ ۲- حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط/جانبی^۲. یکی از پرسش‌های مهم این است که حمایت از حقوق مالکیت فکری چه نقشی در توسعه اقتصادی کشورها دارد و چه نوع نظام حقوق مالکیت فکری به توسعه کشورهای در حال توسعه بیشتر کمک می‌کند. طبق نظر بسیاری از نویسندگان، یکی از عوامل اساسی، و شاید مهمترین عامل، در توسعه اقتصادی کشورها را نوآوری و فناوری تشکیل می‌دهد و کشورهای در حال توسعه برای ارتقای نوآوری و فناوری دو راه در پیش دارند: ۱- تشویق نوآوری و تحقیق و توسعه در داخل (روش درون‌زاد) و ۲- وارد کردن فناوری از خارج (روش برون‌زاد). حال باید دید که حقوق مالکیت فکری چه نقشی در این دو شیوه ارتقای نوآوری و فناوری دارد یا می‌تواند داشته باشد. به عبارت دیگر، از یک سو باید دید که تأثیر درون‌زاد حقوق مالکیت فکری بر نوآوری داخلی چیست و از سوی دیگر باید تأثیر برون‌زاد آن بر انتقال فناوری خارجی از طرق عمده تجارت (واردات)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، و اعطای لیسانس (امتیاز) را ارزیابی کرد.

برای یافتن پاسخی برای پرسش بالا در مقاله حاضر از یک طرف به بررسی مطالعات و تحقیقات تجربی موجود برای آگاهی از آثار عملی درون‌زاد و برون‌زاد حقوق مالکیت فکری و از طرف دیگر به بررسی سیر تحول نظام حقوق مالکیت فکری سه اقتصاد نوظهور هند، کره جنوبی و چین با توجه به اهمیت آنها هم از نظر توسعه اقتصادی و هم از نظر مطرح بودن آنها در حوزه حقوق مالکیت فکری می‌پردازیم تا ضمن روشن شدن ابعاد پرسش پژوهش بتوان به رهنمودهایی در مورد ایران دست یافت. در این راستا، با روش تحلیلی و مقایسه‌ای به تجزیه و تحلیل منابع و اسناد مرتبط خواهیم پرداخت.^۳

1. Industrial Property.

2. Literary and Artistic Property and Related Rights.

۳. شایان ذکر است که به‌ویژه در مورد نظام حقوق مالکیت فکری مناسب برای ایران منابع موجود بسیار محدود و ناکافی است. از جمله، نک: نوروژی ۱۳۸۹؛ وکیل ۱۳۸۳؛ زرکلام ۱۳۸۸؛ و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ۱۳۸۹.

۱. آثار درون‌زاد و برون‌زاد حقوق مالکیت فکری

در این قسمت ابتدا به طور مختصر به محتوا و یافته‌های تحقیقات کسانی اشاره می‌کنیم که به بررسی آثار درون‌زاد حمایت از حقوق مالکیت فکری پرداخته‌اند. این نویسندگان از جمله به مطالعه تأثیر حقوق مالکیت فکری بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها، تحقیق و توسعه، و نوآوری و یادگیری فناورانه پرداخته‌اند.

عبدالستار و طاهر محمد به بررسی تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی کشورها در سطوح درآمدی مختلف پرداخته‌اند. آنها به بررسی ۳۸ کشور با سطوح درآمدی مختلف در دوره ۲۰۰۵-۱۹۷۵ پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که به طور کلی حمایت از حقوق مالکیت فکری به رشد اقتصادی دسته‌های مختلف کشورها کمک می‌کند ولی این کمک در سطوح درآمدی مختلف بسیار تفاوت دارد. طبق یافته‌های نویسندگان، تأثیر مذکور در کشورهای پردرآمد بیشتر است و به ترتیب در کشورهای با درآمد متوسط بالا، کشورهای با درآمد متوسط پایین، و کشورهای کم‌درآمد کمتر می‌شود.^۱

ناگش کومار با بررسی مطالعات نظری و تجربی و همچنین بررسی تجربه ژاپن، کره جنوبی، تایوان، و هند در مجموع چنین استدلال کرده است که در کشورهای در حال توسعه، و به عبارت دیگر در مراحل اولیه توسعه، وجود یک رژیم حقوق مالکیت فکری ضعیف (مثل حمایت از مدل‌های مصرفی یا کاربردی^۲ و طرح‌های صنعتی^۳ به جای حمایت از حق اختراع) به تشویق نوآوری و در نتیجه توسعه، از طریق تسهیل جذب سرریزهای دانش^۴ یا ایجاد نوآوری‌های کوچک، بیشتر کمک می‌کند و یک رژیم حقوق مالکیت فکری قوی حتی می‌تواند تأثیری معکوس بر نوآوری داشته باشد (با جلوگیری از جذب سرریزهای دانش). بنابراین، کشورها باید رژیم حقوق مالکیت فکری خود را متناسب با سطح توسعه خود تنظیم کنند.^۵ با توجه به تأکید کومار بر لزوم هماهنگی رژیم

1. Sattar and Mahmood 2011.

2. Utility Models.

3. Industrial Designs.

4. Knowledge Spillovers.

۵. کومار در جای دیگری به این نکته هم اشاره می‌کند که طبق تحقیقات تجربی موجود، تأثیر حمایت از حق اختراع در صنایع مختلف فرق می‌کند و در صنایع شیمیایی و دارویی بیشترین تأثیر را دارد. طبق یکی از مطالعات، حدود ۶۵ درصد نوآوری‌های دارویی و ۳۰ درصد نوآوری‌های شیمیایی بدون حمایت از حق اختراع انجام نمی‌گرفت. در مورد اکثر صنایع دیگر، حمایت از حق اختراع اهمیت نداشته است.

حقوق مالکیت فکری با سطح توسعه کشورها، او معتقد است که تحمیل استانداردهای حداقل در سطح جهانی (مثل موافقت‌نامه تریپس) برای کشورهای در حال توسعه مفید نیست و محدودیت‌هایی را برای توسعه اقتصادی آنها به وجود می‌آورد.^۱

آمیت شوون ری و سارادیندو بهادری در مقاله‌ای درباره ارتباط سیاست حقوق مالکیت فکری و یادگیری فناورانه^۲ اشاره کرده‌اند که توانایی فناورانه در کشورهای در حال توسعه با «مهندسی تولید» ساده شروع می‌شود. حقوق مالکیت فکری نقش کمی در این مرحله ایفا می‌کند. مهندسی تولید می‌تواند در چارچوب یک رژیم حقوق مالکیت فکری قوی یا ضعیف با کارآمدی یکسانی بدون هر گونه مانع انجام گیرد. ولی گذار به مرحله بعدی توانایی فناورانه، یعنی مهندسی معکوس، فقط می‌تواند در چارچوب یک رژیم حقوق مالکیت فکری ضعیف انجام گیرد. مهندسی معکوس یکی از پیش شرط‌های ایجاد توانایی فناورانه برای انجام تحقیقات بنیادی است. در مراحل اولیه مهندسی معکوس، احتمال دستیابی به توانایی مذکور تقریباً ناچیز است، ولی با ادامه مهندسی معکوس با حمایت یک رژیم حقوق مالکیت فکری ضعیف، احتمالاً توانایی مذکور افزایش خواهد یافت و پس از مرحله‌ای، تحقیقات بنیادی را به یک گزینه راهبردی قابل دوام تبدیل خواهد کرد. با این حال، تحقیقات بنیادی فقط در چارچوب یک رژیم حقوق مالکیت فکری قوی می‌تواند دوام آورد، یعنی رژیمی که جلوی کاهش بازده آن به وسیله انتشار آن را بگیرد. بر اساس این مطالب که در مجموع نشانگر مطلوبیت یک رژیم حقوق مالکیت فکری ضعیف در مراحل اولیه توسعه اقتصادی و سپس تقویت حقوق مالکیت فکری در مراحل بالاتر است، نویسندگان مذکور در مورد تأثیر موافقت‌نامه تریپس بر توانایی فناورانه در کشورهای در حال توسعه می‌گویند که این تأثیر به سطح توانایی نوآورانه کشورهای مذکور بستگی دارد. در کشورهایی که به سطح معینی از توانایی نوآورانه رسیده‌اند، اجرای یک رژیم حقوق مالکیت فکری قوی سازگار با موافقت‌نامه تریپس به تحول همزمان توانایی فناورانه و حقوق مالکیت فکری لطمه‌ای نخواهد زد. ولی در مورد کشورهایی که در زمینه مهندسی معکوس فعال هستند و هنوز به سطح توانایی فناورانه لازم نرسیده‌اند، اجرای موافقت‌نامه تریپس با صدمه جدی همراه خواهد بود.^۳

1. Kumar 2003.

2. Technological Learning.

3. Ray and Bhaduri 2008.

کیم، لی، و پارک در مقاله‌ای به بررسی تأثیر حمایت از حق اختراع^۱ و اختراعات کوچک^۲ (مدل‌های مصرفی یا کاربردی) بر تحقیق و توسعه و رشد اقتصادی کشورهای با سطوح درآمدی مختلف با استفاده از آمارهای سالهای ۲۰۰۳-۱۹۷۵ پرداخته‌اند. طبق یافته‌های آنها، در مجموع، حمایت از حق اختراع تأثیر مثبتی بر انگیزه نوآوری در کشورهای توسعه یافته ولی تأثیر ناچیزی بر کشورهای در حال توسعه دارد. این در حالی است که شکل ضعیفتری از حقوق مالکیت فکری - یعنی مدل‌های مصرفی یا کاربردی یا اختراعات کوچک - تأثیر مثبتی بر نوآوری و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه دارد. بنابراین، حمایت از حق اختراع در کشورهایی که ظرفیت تحقیق و توسعه نوآورانه را دارند، باعث تشویق نوآوری و رشد اقتصادی می‌شود. در واقع، در کشورهایی که نوآوری‌ها بزرگ است، نوآوران حق اختراع را که حمایت قوی‌تر و طولانی‌تری را فراهم می‌سازد، ترجیح می‌دهند. ولی در کشورهایی که ظرفیت مذکور کمتر است، آن نوع نظام حقوق مالکیت فکری که به حمایت از نوآوری‌های کوچک و تدریجی می‌پردازد، بیشتر به نوآوری، انتشار فناوری، و رشد اقتصادی کمک می‌کند.^۳

کیث مسکس، شون دوئرتی و اندرو مرتا هم در بررسی خود در مورد چین اشاره کرده‌اند که رابطه حقوق مالکیت فکری و توسعه اقتصادی یک رابطه دوطرفه یا متقابل است: از یک سو، هرچه سطح توسعه و درآمد یک کشور بیشتر باشد، سطح نوآوری و در نتیجه سطح طرفداری از حقوق مالکیت فکری هم بیشتر می‌شود؛ از سوی دیگر، حمایت ضعیف از حقوق مالکیت فکری از یک طرف باعث کاهش انگیزه نوآوری داخلی و کاهش کیفیت تولید داخلی و از طرف دیگر باعث محدود شدن انتقال فناوری خارجی در اشکال مختلف آن مانند تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اعطای لیسانس، ایجاد تسهیلات تحقیق و توسعه و غیره می‌شود. با این حال، نویسندگان مذکور اضافه می‌کنند که اجرای حقوق مالکیت فکری در کوتاه مدت هزینه‌هایی هم در بر دارد و همین امر باعث بروز مخالفت‌هایی علیه انجام اصلاحات در کشورهای فقیر می‌شود و به همین دلیل است که گاه فشار خارجی به تغییر و تحول کمک می‌کند. به هر حال، نویسندگان مذکور معتقدند که طبق

1. Patent.

2. Petty Patent.

3. Kim, Lee, and Park 2006.

مطالعات تجربی، حقوق مالکیت فکری به رشد اقتصادی کمک می‌کند. درعین حال، تأثیر حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی و توسعه فناورانه تا حد زیادی به شرایط اقتصادی مناسب و به تعبیر دیگر به مجموعه جامع و منسجمی از سیاست‌ها شامل اصلاح ساختاری و ارتقای انعطاف‌پذیری بنگاه‌ها، آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری، ارتقای نظام‌های مالی و نوآوری برای تجاری‌سازی فناوری‌های جدید، توسعه فرصت‌های آموزشی برای ارتقای سرمایه انسانی جهت جذب و توسعه فناوری، و وضع مقرراتی برای حفظ رقابت مؤثر بستگی دارد.^۱

تئو آیشر و مونیک نویاک هم با بررسی رابطه حمایت از حقوق مالکیت فکری و توسعه و با تأکید بر اجرای حقوق مالکیت فکری به این نتیجه رسیده‌اند که اجرای عملی حقوق مالکیت فکری تأثیر زیادی بر توسعه کشورها دارد ولی وجود حقوق مالکیت فکری روی کاغذ بدون اجرای آن هیچ تأثیری بر توسعه کشورها ندارد.^۲ راوی کیران و سونیتا میسرا هم در دو مقاله مشترک خود درباره هند به این نتیجه رسیده‌اند که پس از اجرای موافقت‌نامه تریپس، هزینه تحقیق و توسعه، صادرات، و ثبت اختراع در بخش دارو در هند افزایش یافت (همه نسبت به قبل از اجرای موافقت‌نامه تریپس رشد داشته‌اند).^۳ روبرت اوسترگارد نیز با رد یک رابطه الزاماً مثبت بین حمایت شدید از حقوق مالکیت فکری و رشد اقتصادی معتقد است که کشورهای در حال توسعه باید متناسب با سطح توسعه اقتصادی و توانایی‌های صنعتی و تجاری خود به افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری بپردازند.^۴ پس از بررسی آثار درون‌زاد حمایت از حقوق مالکیت فکری، حال به طور مختصر به محتوا و یافته‌های تحقیقات کسانی اشاره می‌کنیم که به بررسی آثار برون‌زاد حمایت از حقوق مالکیت فکری پرداخته‌اند. این نویسندگان از جمله به مطالعه تأثیر حقوق مالکیت فکری بر تجارت (صادرات محصولات پیشرفته)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، و اعطای لیسانس پرداخته‌اند.

والتر پارک و داگلاس لیپولت با بررسی تأثیر حمایت از حق اختراع بر جریان تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سوی کشورهای در حال توسعه به این نتیجه رسیده‌اند که

1. Fink and Maskus 2005, p. 297-307.

2. Eicher and Newiak 2013.

3. Kiran and Misra 2009 and 2011.

4. Ostergard 2014.

به طور کلی حمایت از حقوق مالکیت فکری برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اهمیت زیادی دارد ولی برای جذب کالاهای خارجی اهمیت کمتری دارد. به علاوه، اهمیت حمایت از حقوق مالکیت فکری برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کالاهای خارجی بر اساس سطح توسعه اقتصادی کشورها و در بخش‌های مختلف تفاوت دارد. از طرف دیگر، به گفته نویسندگان مذکور، اگرچه حمایت از حقوق مالکیت فکری یکی از عوامل بسیار مهمی است که روی تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر می‌گذارد، ولی به تنهایی برای رفع شکاف فناورانه بین کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه کافی نیست و تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و به طور کلی جذب فناوری‌های جدید از عوامل متعدد دیگری هم تأثیر می‌پذیرند. کشورهای در حال توسعه برای بهره‌برداری کامل از مزایای حقوق مالکیت فکری باید چارچوب مناسبی را به وجود آورند که از جمله یک فضای مطلوب برای کسب و کار، مقررات مناسب، زیربنای فیزیکی اساسی (مثل ارتباطات)، نظام‌های آموزشی و لوازم اجرای قوانین جدید مالکیت فکری را فراهم سازد. تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از عوامل مهم دیگری هم تأثیر می‌پذیرند که برخی از موارد مهم آنها عبارتند از اندازه بازار، هزینه عوامل تولید (مثل نیروی کار) و وفور منابع. به این عوامل می‌توان عوامل بسیار دیگری را هم افزود: توانایی تقلید، ساختار موانع تجاری، ثبات نظام سیاسی... علاوه بر این، افزایش واردات کالاهای پیشرفته و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند ثمرات فناورانه مهمی برای کل اقتصاد داخلی داشته باشد، به شرط آن که یک محیط اقتصادی مناسب با خصوصیات مثل آزادی تجارت، رقابت‌پذیری کافی، و وجود سرمایه انسانی لازم وجود داشته باشد. بنابراین، اثربخشی اصلاح رژیم مالکیت فکری در نهایت به محیط اجرای این رژیم بستگی دارد.

طبق یافته‌های نویسندگان مذکور، تأثیر حمایت از حق اختراع بر تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌ها و صنایع گوناگون هم تفاوت دارد. برای مثال، در برخی صنایع (مانند فلزات، ماشین‌آلات، و حمل و نقل)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چندان از حمایت از حق اختراع متأثر نشده است ولی در حوزه‌های خدمات رایانه‌ای، امور مالی و مواد شیمیایی (از جمله دارو) که فناوری‌های مربوطه نسبتاً براحتی قابل تقلید است، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از حمایت از حقوق مالکیت فکری تأثیر پذیرفته است. علاوه بر این، بخش‌ها و صنایع مختلف نسبت به مصادیق مختلف مالکیت فکری ممکن است حساسیت متفاوتی

نشان دهند. به عنوان مثال، برای کالاها و خدمات صنایع شیمیایی، دارویی و رایانه‌ای که حاوی درجه بالایی از دانش می‌باشند احتمالاً حق اختراع اهمیت بیشتری دارد، حال آن‌که برای صنعت منسوجات، حمایت از علایم تجاری (نام و شهرت) ممکن است اهمیت بیشتری داشته باشد.^۱

والتر پارک و داگلاس لپولدت در تحقیق دیگری هم به بررسی تأثیر حقوق مالکیت فکری بر اعطای لیسانس در صنایع مختلف و در حوزه‌های مختلف (مثل فرایندهای صنعتی، برنامه‌های ادبی و هنری، و کتاب) پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که به طور کلی افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری تأثیر مثبتی روی انتقال فناوری از طریق اعطای لیسانس می‌گذارد. آنها معتقدند که یکی از عناصر راهبرد کلی توسعه اقتصادی کشورهای درحال توسعه باید اصلاح رژیم حقوق مالکیت فکری باشد (همراه با سایر اصلاحات مکمل). از نظر آنها، بخصوص حمایت از حق اختراع و اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری می‌تواند به انتقال فناوری و دانش فنی خارجی به کشورهای درحال توسعه از طریق اعطای لیسانس کمک کند و تجربه سالهای اخیر این مسأله را تأیید می‌کند. نویسندگان در جای دیگری اشاره کرده‌اند که با افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری، شرکت‌های خارجی از صادرات کالا به سوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سپس اعطای لیسانس گرایش خواهند یافت.^۲

کارستن فینک و کیث مسکس از تحقیقات مربوط به تأثیر حقوق مالکیت فکری بر تجارت به نتایج زیر دست یافته‌اند: اولاً، به نظر می‌رسد که شرکت‌های تجاری چندملیتی برای تصمیم‌گیری در مورد صادرات احتمالاً به حقوق مالکیت فکری در کشورهای بسیار فقیر که امکان مهندسی معکوس ضعیف است توجه نمی‌کنند؛ ثانیاً، حمایت از حق اختراع در کشورهای درحال توسعه بزرگ و با درآمد متوسط که امکان تقلید بیشتر است اهمیت بیشتری دارد (در صورتی که احتمال تقلید در این کشورها با افزایش حمایت از حق اختراع در آنها کاهش یابد، شرکت‌های خارجی احتمالاً صادرات خود به آنها را افزایش خواهند داد)؛ ثالثاً، تقلید از محصولات بسیاری از صنایع پیشرفته ذاتاً دشوار است و به همین دلیل تجارت و صادرات این محصولات نسبت به حقوق مالکیت فکری حساسیت کمتری نشان

1. Park and Lippoldt 2003.

2. Park and Lippoldt 2004.

می‌دهند تا محصولات صنایع متوسط یا صنایع بالغ؛ رابعاً، شرکت‌های دارای فناوری پیشرفته ممکن است تصمیم بگیرند که از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اعطای لیسانس در بازارهای خارجی حضور یابند به طوری که صادرات این صنایع ممکن است چندان از میزان حمایت از حق اختراع تأثیر نپذیرد.^۱

کیث مسکس در مقاله‌ای درباره نقش حقوق مالکیت فکری در تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انتقال فناوری اشاره می‌کند که هرچند شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تقویت حقوق مالکیت فکری می‌تواند باعث افزایش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود، ولی حقوق مالکیت فکری فقط یکی از عناصر و عوامل دخیل در این زمینه است و به‌تنهایی برای ایجاد انگیزه‌ای قوی در سرمایه‌گذاران خارجی کافی نیست. در غیر این صورت، جریان‌های اخیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سوی کشورهای در حال توسعه عمدتاً به سوی کشورهای جنوب صحرای آفریقا و اروپای شرقی سرازیر می‌شد، در حالی که برزیل، چین و سایر کشورهای در حال توسعه دارای رشد سریع و بازار بزرگ ولی فاقد حمایت شدید از حقوق مالکیت فکری تقریباً به همان اندازه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرده‌اند. در واقع، حقوق مالکیت فکری یکی از عناصر مهم یک نظام تنظیمی کلی است که از مالیات‌ها، مقررات سرمایه‌گذاری، مشوق‌های تولیدی، سیاست‌های تجاری و مقررات رقابتی تشکیل می‌شود.

مسکس با تلخیص مطالب مفصل خود به نکات زیر درباره رابطه حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، و انتقال فناوری اشاره کرده است: ۱- در بخش‌هایی که محصولات قدیمی و فناوری‌های معمولی و کاربر دارند، سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری نسبتاً فاقد حساسیت نسبت به تفاوت‌های بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت فکری است؛ در این بخش‌ها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تابع هزینه‌های عوامل تولید، اندازه بازار، هزینه‌های تجارت و سایر مزیت‌های محلی است. ۲- در صورت ثابت ماندن عوامل دیگر، تقویت حقوق مالکیت فکری احتمالاً باعث افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمینه فناوری‌های پیچیده ولی به‌راحتی قابل‌نسخه‌برداری می‌شود، زیرا حمایت از حق اختراع، حق نسخه‌برداری و علایم تجاری باعث افزایش ارزش دارایی‌های مبتنی بر دانش گشته و

1. Fink and Maskus 2005.

این دارایی‌ها می‌تواند به‌خوبی در ساختار درونی شرکت‌ها مورد استفاده قرار گیرد. ۳- تا حدی که تقویت حقوق مالکیت فکری باعث کاهش هزینه‌های اعطای لیسانس می‌شود، اعطای لیسانس به مرور زمان می‌تواند جای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بگیرد. ۴- صرف‌نظر از شیوه انتقال فناوری، تقویت حقوق مالکیت فکری باعث افزایش احتمال انتقال پیشرفته‌ترین فناوری‌ها می‌گردد.

مسکس می‌گوید یکی از نتایج جالب این تجزیه و تحلیل این است که کشورهای در حال توسعه‌ای که از رشد سریعی برخوردارند، همگام با پیمودن «نردبان فناوری» و کسب توانایی جذب و حتی خلق نوآوری‌های پیچیده‌تر باید به‌طور طبیعی به بهبود حقوق مالکیت فکری علاقمند شوند. شاید این محکم‌ترین استدلال در تأیید افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری در کشورهای مثل برزیل، جمهوری کره، مالزی و مکزیک باشد. این کشورها در مراحل اولیه رشد صنعتی خود به تقلید آزادانه از فناوری‌های وارداتی و در نتیجه حمایت محدود از حقوق مالکیت فکری علاقه داشتند. با این حال، همچنان که این کشورها توسعه می‌یابند، باید به‌طور فزاینده‌ای به حمایت بیشتر از حقوق مالکیت فکری علاقمند شوند تا بتوانند از یک سو جدیدترین فناوری‌ها را جذب کنند و از سوی دیگر نوآوری در داخل کشور را تشویق نمایند.

سرانجام، از نظر مسکس، اگرچه حمایت از حقوق مالکیت فکری یکی از اجزای مهم هر گونه برنامه‌ای برای توسعه فناوری است، ولی کشورها باید با تدوین قوانین و مقرراتی جلوی سوءاستفاده از آن و تبدیل آن به مانعی برای نوآوری‌های بعدی را بگیرند. در این راستا، کشورها به تعیین استثنائاتی معقول، پیش‌بینی امکان صدور مجوز اجباری و تعیین گستره دقیق حمایت از حقوق مالکیت فکری پرداخته‌اند. به‌علاوه، برای تضمین استفاده مفید از حقوق مالکیت فکری باید به اجرای مقررات مؤثری در مورد رقابت پرداخت.^۱

گیفانگ یانگ و کیث مسکس در مورد تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر اعطای لیسانس به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تقویت حمایت از حقوق مالکیت فکری و به‌ویژه حق اختراع با کاهش خطر تقلید، ابهام و عدم اطمینان، و هزینه‌های معامله در قراردادهای انتقال فناوری می‌تواند باعث تشویق انتقال فناوری از طریق اعطای لیسانس در مقایسه با

1. Ibid., p. 41-73.

فروش یا صادرات کالا شود. از طرف دیگر، تقویت حمایت از حقوق مالکیت فکری با ایجاد یک چارچوب حقوقی برای اجرای قراردادهای اعطای لیسانس و دریافت حق امتیاز باعث تشویق اعطای لیسانس در مقایسه با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود، حال آن‌که عدم حمایت کافی از حق اختراع با ایجاد مشکلاتی در مورد مستثنی‌ناپذیری^۱ دانش جدید، اطلاعات نامتقارن^۲، خطر تقلید، و هزینه‌های انتقالی^۳ باعث تشویق حفظ فناوری در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود.^۴

بنا تا اسمارزینسکا یا اُرسیک با استفاده از داده‌های مربوط به سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در کشورهای اروپای شرقی و جمهوری‌های شوروی سابق به بررسی تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ترکیب آن پرداخته و به دو نتیجه رسیده است: اولاً، در بخش‌های دارای فناوری پیشرفته - مثل داروسازی، لوازم آرایشی و محصولات بهداشتی؛ محصولات شیمیایی؛ ماشین‌آلات و تجهیزات؛ و لوازم برقی- که به حقوق مالکیت فکری حساسیت دارند، حمایت از این حقوق تأثیر زیادی روی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌گذارد. شواهد موجود نشان می‌دهد که عدم حمایت از حقوق مالکیت فکری نه تنها سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های حساس بلکه سرمایه‌گذاری در کلیه بخش‌ها را می‌تواند محدود سازد. ثانیاً، عدم حمایت از حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه تولید را محدود ساخته و در عوض شرکت‌های خارجی را به سوی توزیع محصولات وارداتی سوق می‌دهد. جالب این‌که در این زمینه هم عدم حمایت از حقوق مالکیت فکری نه تنها سرمایه‌گذاری در بخش‌های حساس بلکه سرمایه‌گذاری در کلیه بخش‌ها را محدود می‌سازد. شایان ذکر است که نویسندگان برای سنجش دقیق‌تر تأثیر حقوق مالکیت فکری سعی کرده است که متغیرهای دخیل دیگر مثل ثبات و اصلاحات، شفافیت و کارایی نظام حقوقی، فساد، اندازه جمعیت و بازار، تولید ناخالص داخلی سرانه یا قدرت خرید مردم، نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها، خصوصی‌سازی و اندازه بخش خصوصی، و آزادسازی تجاری (نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) را کنترل کند. از نتایج تحقیق وی می‌توان دریافت که

1. Nonexcludability.

2. Informational asymmetry.

3. Transfer costs.

4. Fink and Maskus 2005, p. 111-131.

غیر از دو عامل بالا بودن فساد و بالا بودن نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها که تأثیری منفی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته‌اند، بقیه عوامل مذکور تأثیری مثبت داشته‌اند. به نظر می‌رسد که تولید ناخالص داخلی سرانه هم تا حدی که باعث افزایش قدرت خرید مردم شده است تأثیری مثبت بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته است ولی تا حدی که باعث بالا رفتن هزینه نیروی کار و در نتیجه هزینه تولید شده است تأثیری منفی روی سرمایه‌گذاری در زمینه تولید گذاشته است.^۱

الیاس دینوپولوس و پل سگرستروم به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری در کشورهای جنوب (از طریق تصویب و اجرای موافقت‌نامه تریپس) باعث افزایش دایمی آهنگ انتقال فناوری به کشورهای جنوب در قالب شرکت‌های چندملیتی، افزایش دایمی هزینه‌های تحقیق و توسعه انطباقی در کشورهای جنوب توسط شرکت‌های چندملیتی، افزایش موقتی آهنگ نوآوری در کشورهای شمال، و کاهش دایمی تفاوت دستمزدها بین کشورهای شمال و جنوب می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که اصلاح رژیم حق اختراع در کشورهای در حال توسعه باعث ارتقای نوآوری در اقتصاد جهانی می‌شود و به همین دلیل رشد برخی از کشورهای در حال توسعه بیش از میانگین رشد کشورهای توسعه یافته بوده است. در مورد آثار رفاهی برای مصرف‌کنندگان کشورهای در حال توسعه هم نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش آهنگ نوآوری و انتقال فناوری و افزایش نسبی دستمزد کارگران در کشورهای در حال توسعه (یا کاهش تفاوت دستمزدها بین کشورهای شمال و جنوب) در بلندمدت به نفع مصرف‌کنندگان این کشورها خواهد بود.^۲

دانیل ژروه با مرور مطالعات تجربی مربوط به تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری به این جمع‌بندی رسیده است که حمایت کافی از حقوق مالکیت فکری یکی از عوامل اساسی برای افزایش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و واردات کالاهای حساس به حقوق مالکیت فکری در کشورهایی با سطح معینی از توسعه اقتصادی است. در کشورهای فقیر، فناوری لازم برای تقلید یا بهبود کالاهای پیشرفته وجود ندارد و زمینه کمی برای بهره‌برداری شرکت‌های خارجی وجود دارد. به علاوه، غیر از حمایت از حقوق مالکیت

1. Ibid., p. 133-168.

2. Dinopoulos and Segerstrom 2008.

فکری، عوامل دیگری مثل رژیم تجاری (به ویژه موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای)، مالیات‌ها، و قوانین رقابتی هم بر تصمیمات شرکت‌های خارجی در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انتقال فناوری تأثیر می‌گذارند.^۱

امانوئل حسن، اوحد یعقوب و استفانی دیوپین در گزارشی به بررسی تأثیر حقوق مالکیت فکری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت، و نوآوری و انتقال فناوری پرداخته‌اند. از نظر آنها، بررسی مطالعات تجربی در مورد رابطه حقوق مالکیت فکری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مجموع نشان می‌دهد که افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری تأثیر مثبتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه - به ویژه کشورهای دارای توانایی زیاد برای جذب فناوری - دارد. علاوه بر این، افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری با تشویق سرمایه‌گذاری در زمینه تولید و تحقیق و توسعه - به جای فروش و توزیع - می‌تواند بر ترکیب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هم تأثیر بگذارد. از طرف دیگر، بررسی‌های تجربی نشان می‌دهد که هماهنگ‌سازی بین‌المللی رژیم‌های حقوق مالکیت فکری می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه سودمند باشد و افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری باعث افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در نتیجه ارتقای توسعه صنعتی در کشورهای مذکور می‌گردد. از این گذشته، هماهنگ‌سازی بین‌المللی رژیم‌های حقوق مالکیت فکری می‌تواند تأثیر مثبتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای کمترین درجه توسعه‌یافتگی در خارج داشته باشد. به این ترتیب، هماهنگ‌سازی بین‌المللی رژیم‌های حقوق مالکیت فکری تأثیری متقابل و دوسویه دارد و می‌تواند سرمایه‌گذاری و صادرات کشورهای در حال توسعه به سایر کشورها را نیز افزایش دهد. در قسمت بعدی گزارش مذکور، نویسندگان با بررسی مطالعات تجربی در مورد رابطه حقوق مالکیت فکری و تجارت به این نتیجه می‌رسند که افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری باعث افزایش تجارت محصولات مورد حمایت می‌شود و این تأثیر در کشورهایی که از توانایی تقلید و سطح درآمد و توسعه بالاتری برخوردار بوده‌اند، بیشتر بوده است. به علاوه، یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که هماهنگ‌سازی بین‌المللی رژیم‌های حقوق مالکیت فکری کشورها تأثیر مثبتی بر صادرات کشورهای نوظهور داشته ولی لزوماً

تأثیر مثبتی بر صادرات سایر کشورهای در حال توسعه نداشته است. در قسمت بعدی گزارش مذکور نیز نویسندگان با بررسی مطالعات تجربی در مورد رابطه حقوق مالکیت فکری و انتقال فناوری نتیجه می‌گیرند که افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری تأثیر مثبت زیادی بر اعطای لیسانس، به‌ویژه در مورد کشورهای دارای توانایی تقلید و جذب فناوری بالا، داشته است. طبق برخی مطالعات، یک درصد افزایش در شاخص حمایت از حقوق مالکیت فکری به طور میانگین باعث ۳/۲ درصد افزایش در اعطای لیسانس شده است. از طرف دیگر، سطح حمایت از حقوق مالکیت فکری روی شیوه انتقال فناوری هم تأثیر می‌گذارد. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که حمایت قوی از حقوق مالکیت فکری باعث افزایش انگیزه شرکت‌های کشورهای توسعه‌یافته برای اعطای لیسانس به شرکت‌های دیگر در کشورهای در حال توسعه می‌شود، زیرا شرکت‌های کشورهای توسعه‌یافته قادر خواهند بود که بهتر به کنترل دانش انتقال‌یافته بپردازند. برعکس، حمایت ضعیف از حقوق مالکیت فکری می‌تواند باعث شود که شرکت‌های چندملیتی برای حفظ کنترل خود بر دانش خود به انتقال دانش فقط به شرکت‌های وابسته خود در خارج بپردازند. در مورد تأثیر افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری بر نوآوری داخلی هم مطالعات تجربی نشان می‌دهد که افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری باعث افزایش نوآوری در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشورهای نوظهور شده است. با این حال، مطالعات تجربی نشان می‌دهد که یک رژیم حقوق مالکیت فکری ضعیف می‌تواند برای توسعه اقتصادی کشورهای دارای کمترین درجه توسعه‌یافتگی مفید باشد.^۱

لینسو کیم با بررسی رابطه حمایت از حقوق مالکیت فکری با انتقال فناوری بر اساس تجربه کره جنوبی به تأیید یافته‌های مطالعات دیگری پرداخته است که نشان می‌دهند تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر انتقال فناوری، بسته به سطح توسعه اقتصادی کشورها، متفاوت خواهد بود. نویسندگان با بررسی تجربه کره جنوبی به این نتایج رسیده است که در مرحله اولیه صنعتی شدن که یادگیری از طریق مهندسی معکوس و تقلید و الگوبرداری از محصولات خارجی صورت می‌گیرد، حمایت شدید از حقوق مالکیت فکری به جای تسهیل، باعث جلوگیری از انتقال فناوری و یادگیری درون‌زاد می‌شود. تنها پس از دستیابی

به توانایی‌های بومی کافی و زیرساخت‌های گسترده در زمینه علم و فناوری برای انجام تقلید خلاقانه است که حمایت از حقوق مالکیت فکری به عامل مهمی در انتقال فناوری و فعالیت‌های صنعتی تبدیل می‌شود.^۱

میخائیل اسکاپاکاست هم معتقد است که حمایت قوی از حقوق مالکیت فکری به سه طریق باعث ارتقای رشد اقتصادی می‌شود: ۱- ارتقای نوآوری داخلی از طریق حمایت از توسعه فناوری نوپا، ۲- جلوگیری از فرار مغزها از طریق تضمین دستیابی نوآوران به ثمره تلاش‌های خود، و ۳- تقویت انتقال فناوری در اشکال مختلف آن نظیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اعطای ليسانس، و واردات. شواهد تجربی نشان می‌دهد که کشورهای دارای سطح بالاتر حمایت از حقوق مالکیت فکری معمولاً نه تنها سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر بلکه محصولات و فرایندهای پیشرفته‌تری را هم جذب می‌کنند. بنابراین، هر چه سطح حمایت از حقوق مالکیت فکری بالاتر باشد، احتمال انتقال فناوری پیشرفته بیشتر خواهد بود. برای مثال، صنایع غذایی و حمل‌ونقل کمترین تأثیر را از سطح حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌پذیرند، حال آن که تولیدکنندگان تجهیزات برقی، فلزات، ماشین‌آلات، و محصولات کشاورزی معمولاً نسبت به حمایت از حقوق مالکیت فکری حساسیت بیشتری نشان می‌دهند. صنایعی که در تصمیم‌گیری در مورد انتقال فناوری، حساسیت خاصی در مورد حمایت از حقوق مالکیت فکری دارند، عبارتند از صنایع تولیدکننده دارو، نرم‌افزار، و مواد شیمیایی. ولی سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیق و توسعه بیشترین حساسیت را در مورد حمایت از حقوق مالکیت فکری دارد. به این ترتیب، سطح حمایت از حقوق مالکیت فکری نه تنها بر مقدار انتقال فناوری بلکه بر ماهیت و کیفیت فناوری انتقالی هم تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، اسکاپاکاست می‌گوید شیوه انتقال فناوری که یک شرکت چندملیتی انتخاب می‌کند هم از یک سو به درجه پیچیدگی فناوری مربوطه و از سوی دیگر به سطح حمایت از حقوق مالکیت فکری در کشور دریافت‌کننده آن فناوری بستگی دارد. بنابراین، در کشوری که سطح حمایت از حقوق مالکیت فکری ضعیف است، شرکت‌های چندملیتی به احتمال بیشتر به سرمایه‌گذاری در قالب یک شرکت وابسته با مالکیت کامل خود می‌پردازند و در صورتی که سطح حمایت از حقوق مالکیت فکری افزایش یابد، شرکت‌های مذکور به

سوی سرمایه‌گذاری مشترک و در نهایت اعطای لیسانس تمایل می‌یابند.^۱ به عنوان جمع‌بندی، از بررسی مطالعات و تحقیقات مربوط به تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر رشد و توسعه اقتصادی به گونه‌ای درون‌زاد (از طریق تشویق نوآوری و تحقیق و توسعه در داخل) و برون‌زاد (از طریق تشویق انتقال فناوری خارجی از طرق عمده تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، و اعطای لیسانس) به طور کلی می‌توان به این نتیجه رسید که حمایت از حقوق مالکیت فکری کمابیش تأثیری مثبت در هر دو زمینه درون‌زاد و برون‌زاد دربردارد. بر همین اساس، برخی نویسندگان اشاره نموده‌اند که کشورهای در حال توسعه باید رژیم حقوق مالکیت فکری را یکی از عناصر راهبرد کلی توسعه اقتصادی خود در نظر بگیرند.

باین حال، همان طور که در سطور بالا دیدیم، غیر از حقوق مالکیت فکری، عوامل بسیار دیگری هم در پیشبرد رشد و توسعه اقتصادی از طریق تشویق نوآوری و انتقال فناوری دخیل است و برای این که حقوق مالکیت فکری بیشترین تأثیر را داشته باشد، باید یک فضا و محیط اقتصادی مناسب نیز وجود داشته باشد و به عبارت دیگر اثربخشی حقوق مالکیت فکری به محیط اجرای آن هم بستگی زیادی دارد.

همان طور که دیدیم، یکی از مسائلی که بر اثربخشی حقوق مالکیت فکری تأثیر دارد، سطح توسعه اقتصادی کشورها است و به همین دلیل برخی نویسندگان اشاره نموده‌اند که در مراحل اولیه توسعه بهتر است یک رژیم حقوق مالکیت فکری ضعیف (مثل حمایت از مدل‌های مصرفی یا کاربردی و طرح‌های صنعتی به جای حمایت از حق اختراع) اتخاذ شود تا باعث تشویق نوآوری‌های کوچک و تدریجی و جذب سرریزهای دانش یا انتشار دانش شود و آنگاه پس از ارتقای سطح نوآوری‌ها و فناوری‌ها و دستیابی به بلوغ فناورانه و ضرورت یافتن حمایت بیشتر از دانش صنایع داخلی است که اتخاذ یک رژیم حقوق مالکیت فکری قوی (مثلاً از طریق حمایت از حق اختراع) می‌تواند مفید باشد. بر همین اساس، نویسندگان مذکور معتقدند که برای همه کشورها نمی‌توان یک نسخه واحد را تجویز کرد و باید با نگرشی پویا به رژیم حقوق مالکیت فکری نگریست و در این رژیم، با توجه به سطح توسعه کشورها از جمله در بخش‌های مختلف، نه تنها باید به سطح مناسب حمایت از

1. Schiappacasset 2004, p. 167, 173 and 175.

حقوق مالکیت فکری توجه کرد بلکه باید انواع مناسب حقوق مالکیت فکری را هم در نظر گرفت.

علاوه بر این، همان طور که اشاره شد، عوامل بسیار دیگری در ارتقای رشد و توسعه اقتصادی از جمله از طریق حمایت از حقوق مالکیت فکری دخیل هستند که از ثبات و امنیت و وجود یک فضای کسب و کار مناسب تا وجود زیرساخت‌های لازم حقوقی و نهادی (اجرا) و انسانی (نیروی انسانی ماهر) و فیزیکی (مثل ارتباطات) را در برمی‌گیرند. این امر ضرورت اتخاذ رویکردی جامع و کلان‌نگر را نشان می‌دهد تا بین عوامل مختلف نوعی هم‌افزایی - و نه تزاخم و خنثی‌سازی - به وجود آید.

نکته دیگری که نویسندگان مختلف بر آن تأکید کرده‌اند این است که حمایت از حقوق مالکیت فکری وقتی تأثیر درون‌زاد و برون‌زاد بیشتری در بلندمدت خواهد داشت که با فضایی رقابتی و اجرای سیاست‌های مشوق رقابت پویا همراه باشد. بر این اساس، در تدوین رژیم یا سیاست حقوق مالکیت فکری همواره باید به این نکته توجه نمود که این رژیم یا سیاست ضمن تشویق نوآوری و انتقال فناوری باید جلوی سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری از جمله از طریق رویه‌های ضد رقابتی را بگیرد تا حقوق مالکیت فکری به مانعی برای نوآوری و انتقال فناوری در آینده تبدیل نشود. برای این منظور، کشورها استثنائات و محدودیتهایی معقول، امکان صدور مجوز اجباری و امکان اتخاذ اقدامات لازم برای مقابله با رویه‌های ضد رقابتی را وضع کرده‌اند.

از مطالب بالا می‌توان این نکته را هم دریافت که در زمینه حقوق مالکیت فکری برای همه کشورها نمی‌توان نسخه واحدی پیچید و هر کشوری با توجه به شرایط خاص آن احتیاج به نسخه خاصی دارد. بر همین اساس نیز برخی نویسندگان تحمیل استانداردهای حداقل در سطح جهانی (مثل موافقت‌نامه تریپس) را برای کشورهای در حال توسعه مفید ندانسته و آن را موجد محدودیتهایی برای توسعه اقتصادی کشورهای مذکور دانسته‌اند. این در حالی است که برخی دیگر از نویسندگان با تأکید بر تأثیر مثبت حقوق مالکیت فکری، افزایش حمایت از حقوق مذکور در چارچوب موافقت‌نامه تریپس را واجد آثار مثبتی دانسته و اشاره نموده‌اند که در این موافقت‌نامه فضای کافی برای بهره‌برداری کشورهای در حال توسعه وجود دارد و این کشورها باید موافقت‌نامه تریپس را به عنوان یک مبنا - از جمله برای مقاومت در مقابل تقاضاهای فراتر از این موافقت‌نامه در مذاکرات تجاری -

بپذیرند و بکوشند تا از انعطاف‌های موجود در موافقت‌نامه مذکور حداکثر استفاده شود. شایان ذکر است که با توجه به جهانشمولی موافقت‌نامه تریپس و تعداد اعضای سازمان تجارت جهانی و همچنین با توجه به تصمیم ایران برای پیوستن به سازمان مذکور به نظر می‌رسد که چندان مثل گذشته نمی‌توان آزادی عمل مطلق داشت و موافقت‌نامه تریپس به نوعی چارچوب عمومی و حداقل تبدیل شده است. باین‌حال، باید تأکید نمود که در موافقت‌نامه تریپس هم از یک طرف مواد بسیاری وجود دارد که در آنها استثنائات و محدودیت‌هایی برای حقوق انحصاری صاحبان حقوق مالکیت فکری پیش‌بینی شده است و از طرف دیگر مفادی وجود دارد که صریحاً به لزوم انتقال فناوری و مقابله با رویه‌های ضد رقابتی اشاره و حق اتخاذ اقدامات مقتضی در این زمینه را به اعضا اعطا و شرایط آن را مشخص نموده است.

۲. تحول نظام حقوق مالکیت فکری در کشورهای منتخب: هند، کره جنوبی و چین

در مورد تحول نظام حقوق مالکیت فکری هند باید گفت که در زمان استقلال هند از بریتانیا در سال ۱۹۴۷، این کشور که جمعیتی ۴۰۰ میلیون نفری و فقیر داشت، برای تأمین نیازهای اساسی خود از جمله دارو تقریباً به طور کامل به واردات محصولات غربی وابسته بود. در اولین دهه پس از استقلال (یعنی در سال‌های ۵۸-۱۹۴۷) ۹۹ درصد از داروها و حق اختراع‌های دارویی در هند به شرکت‌های خارجی تعلق داشت که ۸۰ درصد بازار هند را در اختیار داشتند.^۱ گفته شده است که در آن زمان، از ۱۰ شرکت دارویی برتر هند از نظر میزان فروش، ۸ شرکت را شرکت‌های وابسته شرکت‌های چندملیتی تشکیل می‌دادند.^۲ بر اثر این وابستگی، حتی داروهای حیاتی مثل انسولین و پنی‌سیلین چنان قیمت‌های بالایی داشتند که از دسترس بخش‌های زیادی از جمعیت هند خارج بودند.^۳ حتی گفته شده است که قیمت‌های دارو در هند در آن زمان بالاترین قیمت‌های جهان بود.^۴

1. Bedi, Bedi and Sooch 2013, p. 105.

2. Greene 2007, p. 2.

3. Khanna and Singh 2015, p. 4.

4. Bedi, Bedi and Sooch (2013), p. 105.

برای مشاهده تفاوت بسیار زیاد قیمت داروها در هند و کشورهای دیگر، نک. جدول صفحه ۱۹ منبع زیر:

در این شرایط، دولت هند با تأسیس پنج شرکت دارویی دولتی گام عمده‌ای برای خوداتکایی صنعت دارویی کشور و تسهیل عرضه مستقل محصولات دارویی به بازار هند برداشت.^۱ شرکت‌های مذکور نقش مهمی در شروع تولید داخلی داروهای فله‌ای اساسی ایفا کردند، گو این که برای توسعه تولید داخلی دارو به اقدامات دیگری هم احتیاج بود. بر این اساس، دولت هند در سال‌های ۵۰-۱۹۴۸ و ۵۹-۱۹۵۷ دو کمیته را هم مأمور بررسی قوانین موجود در مورد حق اختراع و تهیه قانونی متناسب با منافع ملی هند کرد. یافته‌های این کمیته‌ها حاکی از حمایت شدید از شرکت‌های خارجی و محدودسازی شدید شرکت‌های داخلی بود و بر اساس پیشینه آلمان، کانادا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی توصیه شده بود که حق اختراع «محصول» لغو شود و حق اختراع «فرایند» به رسمیت شناخته شود. این توصیه‌ها سرانجام به تصویب قانون اختراعات ۱۹۷۰ منتهی شد. تصویب این قانون نقطه عطفی در تاریخ صنعت دارویی هند خوانده شده است که شرکت‌های هندی را به کپی برداری از داروهای غربی و پایه‌گذاری صنعت تولید داروهای ژنریک در هند قادر ساخت.

قبلاً قانون اختراعات و طرح‌های ۱۹۱۱ در هند جاری بود که از دوران استعمار به ارث رسیده بود. در این قانون از همه اختراعات بجز اختراعات مربوط به انرژی اتمی حمایت می‌شد و مدت حمایت هم ۱۶ سال از زمان درخواست ثبت اختراع بود. قانون اختراعات ۱۹۷۰ گستره حق اختراع را به مواد غذایی، مواد شیمیایی، و محصولات دارویی، آن هم فقط در مورد فرایند - نه محصولات - محدود ساخت. از آنجا که عملاً هر ترکیب شیمیایی می‌تواند از طریق فرایندهای گوناگونی تولید شود، گستره حمایت از حق اختراع خیلی محدود شد. مدت حمایت هم به ۷ سال برای مواد و محصولات مذکور و ۱۴ سال برای محصولات دیگر کاهش یافت. مجوز اجباری هم پس از ۳ سال می‌توانست صادر شود.^۲ این قانون با به رسمیت شناختن فقط حق اختراع فرایندها به شرکت‌های هندی اجازه می‌داد که به مهندسی معکوس یا کپی برداری از داروهای مشمول حق اختراع خارجی بدون پرداخت حق امتیاز بپردازند.^۳

با تصویب قانون ۱۹۷۰، شرکت‌های دارویی غربی به دلیل عدم حمایت از مالکیت فکری

Kumar and Pradhan (2003).

1. Bedi, Bedi and Sookh 2013, p. 105 and Greene 2007, p. 2.

2. Kumar and Pradhan 2003, p. 7-8.

3. Greene 2007, p. 2-3.

آنها به خروج از هند پرداختند^۱ و شرکت‌های هندی بسرعت جای خالی آنها را پر کردند و به طور فزاینده‌ای به تولید داروهای ژنریک از طریق مهندسی معکوس و فروش این داروها با قیمت‌هایی بسیار کمتر از قیمت‌های همتایان غربی خود پرداختند و به این ترتیب شالوده یک صنعت دارویی فعال فراهم شد و دسترسی به دارو هم افزایش یافت.^۲ طبق آمارهای موجود، در بازار هند، سهم تولیدکنندگان داخلی افزایش یافت و سهم تولیدکنندگان خارجی تا سال ۲۰۰۵ به کمتر از ۲۰ درصد رسید.^۳ در حالی که در سال ۱۹۷۰ بخش اعظم مصرف دارویی هند به وسیله واردات تأمین می‌شد و تولید داخلی فورمولاسیون‌ها نیز عمدتاً تحت سلطه

۱. کارستن فینک و کیث مسکس ضمن تأیید نقش لغو حق‌اختراع محصول در خروج شرکت‌های خارجی از بازار هند اشاره می‌کنند که در این امر احتمالاً عوامل دیگری مثل محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و مالکیت و کنترل قیمت‌ها نیز دخیل بوده‌اند. نک:

Fink and Maskus (2005), p. 230.

۲. البته باید اضافه کرد که پیشرفت صنعت دارویی هند نه تنها معلول اصلاح قانون اختراعات بلکه معلول سایر سیاست‌های دولت هند نیز بوده است. آتسوکو کامیکه و تاکاهیرو ساتو معتقدند که توسعه صنعت دارویی هند مرهون رژیم ضعیف حق‌اختراع (قانون اختراعات ۱۹۷۰) و سیاست دارویی ۱۹۷۸ (Drug Policy, 1978) بوده است. قانون ۱۹۷۰ یک نقطه عطف در تحقیق و توسعه دارویی در هند بود و مهندسی معکوس و دستیابی به فرایندهای جدید برای تولید محصولات مشمول حق‌اختراع در سایر کشورها را تشویق نمود. سیاست دارویی ۱۹۷۸ هم که اولین سیاست دارویی جامع هند بود اساساً با هدف دستیابی به خودکفایی در تولید دارو تصویب شد. این دو قانون یا سیاست، راه را برای پیشرفت تحقیق و توسعه بومی و تولید داروهای ژنریک از دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۹۰ هموار ساخت. نک:

Kamiike and Sato (2012), p. 78-79.

برای بررسی مفصل‌تر سیاست‌های هند برای ایجاد یک صنعت داروسازی مستقل و تأمین داروهای حیاتی برای مردم با قیمت‌های مناسب - شامل تأسیس شرکت‌های دارویی دولتی، اعمال تعرفه‌های گمرکی بالا برای تشویق شرکت‌های چندملیتی به تأسیس شرکت‌های وابسته محلی، مجاز نمودن ۷۴ (و سپس ۱۰۰) درصد مالکیت برای شرکت‌های چندملیتی تولیدکننده داروهای پیشرفته، کنترل واردات داروهای بالک (فله‌ای) برای جلوگیری از قیمت‌گذاری بالای آنها توسط شرکت‌های چندملیتی، کنترل قیمت‌ها و تعیین سقف سود و قیمت، اتخاذ یک رژیم حقوق مالکیت فکری ضعیف، و انجام اقداماتی برای تشویق تحقیق و توسعه (مثل توسعه زیرساخت‌های علم و فناوری، انواع معافیت‌های مالیاتی، معافیت‌های گمرکی، کمک‌های مالی، همکاری‌های تحقیقاتی، ایجاد پیوند بین مراکز تحقیق و توسعه و صنایع، تسهیل اعطای مجوز صنعتی، ایجاد مراکز رشد (incubation centres)، و ایجاد پارک‌های علم و فناوری) - نک:

Kumar and Pradhan (2003), p. 3-12.

برای آشنایی با سیاست‌های آزادسازانه داخلی و خارجی هند از دهه ۱۹۹۰ به بعد - مانند اتخاذ یک رژیم آسانگیرانه‌تر در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کاهش الزامات اخذ مجوز صنعتی، کاهش کنترل قیمت‌ها، کاهش تعرفه‌های گمرکی محصولات دارویی، اصلاح قوانین حقوق مالکیت فکری برای انطباق با موافقت‌نامه تریپس، و تلاش برای تقویت تحقیق و توسعه برای آمادگی بیشتر برای رویارویی با چالش‌های ناشی از اجرای موافقت‌نامه تریپس - نک، به صفحات ۱۷-۱۳ همان منبع.

3. Green (2007), p. 2.

برای مشاهده میزان افزایش سهم شرکت‌های دولتی و خصوصی هند و کاهش سهم شرکت‌های چندملیتی از تولید دارو در هند در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ هم نک. جدول صفحه ۱۸ منبع زیر:

Kumar and Pradhan (2003).

شرکت‌های چندملیتی بود، در سال ۱۹۹۱ شرکت‌های داخلی ۷۰ درصد تولید داروهای فله‌ای و ۸۰ درصد تولید فورمولاسیون‌ها را در هند در اختیار داشتند.^۱ گفته می‌شود که هند تا سال ۱۹۹۹ به خودکفایی کامل در تولید فورمولاسیون‌ها و خودکفایی تقریبی در تولید داروهای فله‌ای دست یافته بود.^۲ صادرات محصولات دارویی هند نیز افزایش بسیار زیادی داشت و موازنه تجاری آن هم از حالت منفی به حالت بسیار مثبتی رسید.^۳ با این حال، اگرچه همراه با خروج تقریباً کامل شرکت‌های دارویی غربی از هند، شرکت‌های هندی به توفیق در تولید داروهای ژنریک دست یافتند، ولی بخش داروسازی داخلی هند دچار نوعی رکود در زمینه تحقیق و توسعه و نوآوری شد.^۴

بعداً، مشکلات اقتصادی شدید هند آن را به سمت کنار گذاشتن انزوای خودخواسته چهاردهه‌ای هند و تعقیب آزادسازی اقتصادی از طریق مشارکت فعال در مذاکرات تجاری دور اروگوئه از سال ۱۹۸۶ سوق داد. مذاکرات دور اروگوئه در دسامبر ۱۹۹۴ پایان یافت و سازمان تجارت جهانی تأسیس شد و کشورهای عضو باید قوانین خود را با الزامات موافقت‌نامه تریپس سازگار می‌ساختند. به کشورهای در حال توسعه از جمله هند نیز ۱۰ سال برای این کار مهلت داده شد.

از زمان تأسیس سازمان تجارت جهانی و لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه تریپس در اول ژانویه ۱۹۹۵، هند در فرصت ده‌ساله خود برای انطباق با الزامات موافقت‌نامه تریپس به طور تدریجی سه بار در مارس ۱۹۹۹، ژوئن ۲۰۰۲ و مارس ۲۰۰۵ به تصویب اصلاحاتی در قانون اختراعات ۱۹۷۰ پرداخت. در اصلاحیه ۲۰۰۵ که در ۴ آوریل ۲۰۰۵ به مرحله اجرا درآمد، حق اختراع «محصول» ابقا شد که مهندسی معکوس یا کپی‌برداری از داروهای مشمول حق اختراع را بدون اخذ اجازه لازم از صاحبان حق اختراع پس از اول ژانویه ۱۹۹۵ ممنوع می‌ساخت. با این حال، طبق قانون اصلاحی مذکور، تولید انواع ژنریک داروهای دارای

1. Kumar and Pradhan 2003, p. 17.

2. Green 2007, p. 2.

۳. برای مشاهده رشد شدید صادرات و بهبود زیاد موازنه تجاری هند از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۰، نک. جدول صفحه ۲۱ منبع زیر:

Kumar and Pradhan 2003.

۴. گفته شده است که یکی از آثار منفی قانون اختراعات ۱۹۷۰ نیز این بود که بنگاه‌های کوچک و متوسط بسیار زیادی وارد صنعت داروسازی شدند. نک:

Bedi, Bedi and Sooch 2013, p. 3.

حق اختراع ثبت شده در قبل از سال ۱۹۹۵ مجاز بود. در واقع، طبق اصلاحیه مذکور، فقط دو نوع داروی ژنریک در بازار هند مجاز دانسته می‌شد: یکی داروهای ژنریک تولید شده پس از انقضای حق اختراع داروهای اصلی و دیگری انواع ژنریک داروهایی که حق اختراع آنها قبل از سال ۱۹۹۵ اعطا شده بود.^۱

در اصلاحیه ۲۰۰۵، مطابق با ماده ۳۲ موافقت‌نامه تریپس، مدت حمایت از حق اختراع نیز ۲۰ سال از تاریخ درخواست ثبت اختراع تعیین شد و بدون اعطای مجوز اجباری، هیچ‌گونه ژنریکی در مدت حمایت مذکور نمی‌توانست فروخته شود. علاوه بر این، اعضای سازمان تجارت جهانی ملزم بودند که شرایط لازم را برای ارائه درخواست ثبت اختراع از اول ژانویه ۱۹۹۵ تا اول ژانویه ۲۰۰۵ فراهم سازند. اصلاحیه مذکور تعداد زیادی از شرکت‌های دارویی خارجی را به حضور در بازار هند تشویق کرد و در سال ۲۰۰۵، تولیدکنندگان داروی خارجی حدود ۸۹۲۶ درخواست ثبت اختراع را برای داروهای مشمول حق اختراع خود که به صورت ژنریک در بازار هند فروخته می‌شدند، ارائه دادند.^۲

در مورد آثار اجرای موافقت‌نامه تریپس در هند نیز باید اشاره نمود که قبل از اجرای موافقت‌نامه مذکور، در هند تصور می‌شد که اصلاح قانون اختراعات ۱۹۷۰ و پذیرش حق اختراع محصول تأثیری منفی بر هند خواهد گذاشت و جلوی رشد صنعت دارویی این کشور را خواهد گرفت، زیرا هندی‌ها دیگر نمی‌توانستند از طریق مهندسی معکوس به تولید دارو پرداخته یا داروهایی را که حق اختراع محصول آنها پایان نیافته است، صادر کنند. ولی همان طور که ارقام نشان می‌دهد، برخلاف تصورات مذکور، صنعت دارویی هند حتی پس از اجرای موافقت‌نامه تریپس هم رشد سریعی داشت. اصلاح قانون اختراعات ۱۹۷۰ برای انطباق با موافقت‌نامه تریپس باعث شد که صنعت دارویی هند مدل یا الگوی تجاری جدیدی را دنبال کند: شرکت‌های دارویی هند سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیق و توسعه را افزایش و صادرات داروهای ژنریک به هر دو دسته بازارهای بسامان^۳ و نابسامان^۴ را توسعه

1. Greene 2007, p. 3.

2. Ibid., p. 3-4.

برای آشنایی بیشتر با مجادلات مربوط به اصلاح قوانین هند در زمینه حقوق مالکیت فکری، همچنین، نک:

Khanna and Singh 2015, p. 9-18 and 19-30.

3. Regulated.

4. Unregulated.

داده‌اند و عرضه خدمات قراردادی مرتبط با تحقیق و ساخت که نوعی خدمات برونسپاری است، رشد کرده است. اجرای موافقت‌نامه تریپس نه تنها هزینه‌های تحقیق و توسعه صنعت دارویی هند را افزایش داد بلکه ساختار تحقیق و توسعه این صنعت را هم تغییر داد.^۱ از تجربه هند شاید بتوان این نتیجه را گرفت که آنچه توسعه اقتصادی و فناورانه یک کشور را رقم می‌زند مجموعه سیاست‌های آن کشور است و یک رژیم مالکیت فکری قوی به‌تنهایی مانع از توسعه و پیشرفت یک کشور نمی‌شود و یک رژیم مالکیت فکری ضعیف نیز به‌تنهایی به توسعه و پیشرفت یک کشور نمی‌انجامد، گو این که رژیم مالکیت فکری در هند یا کند شدن پیشرفت یک کشور و همچنین در تعیین مسیر پیشرفت آن نقشی گاه اساسی دارد، همان طور که نمی‌توان نقش حقوق مالکیت را در پیشرفت اقتصادی یک کشور انکار نمود. در مورد کره جنوبی هم باید گفت که اگر مراحل تکامل فناوری در کشورهای در حال توسعه را شامل ۱- کسب فناوری (تقلید تکثیری)^۲، ۲- جذب فناوری (تقلید خلاقانه)^۳، و ۳- بهبود فناوری (نوآوری) بدانیم، کره جنوبی سرعت از مرحله اخذ فناوری بالغ از طریق تقلید تکثیری مبتنی بر مهندسی معکوس به مرحله تولید فناوری متوسط از طریق تقلید خلاقانه مبتنی بر شیوه‌های رسمی انتقال فناوری، استفاده از دانشمندان و مهندسان برجسته‌تر، و تقویت فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی ارتقا یافته است. برخلاف مرحله اول که یک رژیم حقوق مالکیت فکری ضعیف حاکم بود و به جنبه‌های حقوقی کپی‌برداری از فناوری وارداتی از طریق مهندسی معکوس توجه زیادی نمی‌شد و آمارهای حق اختراع هم نشان می‌داد که حقوق مالکیت فکری برای شرکت‌های کره‌ای مسأله مهمی نبود، در مرحله فناوری متوسط، حقوق مالکیت فکری حتی برای شرکت‌های داخلی هم اهمیت یافت. این مسأله را آمارهای حق اختراع روشن می‌سازد. در حالی که فعالیت‌های مشمول حق اختراع در ۱۴ سال دوره ۷۸-۱۹۶۵ فقط ۴۸ درصد افزایش یافته بود، در ۱۱ سال بعد (۸۹-۱۹۷۹) تقریباً سه برابر و در ۴ سال بعد از آن (۹۳-۱۹۸۹) نیز باز تقریباً سه برابر شد. به علاوه، سهم کره‌ای‌ها در ثبت اختراع در داخل کشور نیز از ۱۱/۴ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۶۹/۲ درصد

۱. در مورد آثار اجرای موافقت‌نامه تریپس در هند، از جمله، نک:

Kamiike and Sato 2012, p. 83-88; Greene 2007, p. 8-14; Bedi, Bedi and Sooch 2013, p.106-109; Kapoor and Sharma 2015, p. 13 and Kiran and Misra 2009 and 2011.

2. duplicative imitation

3. creative imitation

در سال ۱۹۹۹ رسید که حاکی از افزایش فعالیت‌های تحقیق و توسعه بود. شرکت‌های کره‌ای در ثبت اختراع در خارج هم فعال بودند. برای مثال، کره جنوبی از رتبه ۳۵ در ثبت اختراع در آمریکا در سال ۱۹۶۹ (با ۵ ثبت اختراع) به رتبه ۱۱ در سال ۱۹۹۲ (با ۵۳۸ ثبت اختراع) ترقی کرد که نشانگر میانگین رشد سالیانه ۴۳/۳۲ درصد بود. تا سال ۱۹۹۹، کره جنوبی به رتبه ۶ (با ۳۶۷۹ ثبت اختراع) رسید. شرکت «سامسونگ الکترونیک» به رتبه چهار (با ۱۵۴۵ ثبت اختراع در آمریکا) رسید که فقط پس از آی‌بی‌ام، ان‌ای‌سی، و کانن قرار داشت و این حاکی از جدیت کره جنوبی در کسب حق اختراع در داخل و خارج بود.

شرکت‌های دارویی پیشرو کره‌ای هم ابتدا فعالیت خود را به عنوان واردکننده یا فروشنده داروهای تمام‌شده و بسته‌بندی‌شده شروع کردند و بعداً به تولید دارو با بسته‌بندی داروهای فله‌ای (بالک) و وارداتی پرداختند. سپس، آنها بتدریج به فعالیت‌های پیچیده‌تر پرداختند: ابتدا با فورمولاسیون یا ترکیب مواد خام وارداتی و سپس تولید اجزاء تشکیل‌دهنده دارو از طریق پیوند یا ادغام پیشینی^۱. در این رهگذر، آنها از نظر اندازه و همچنین توانایی‌های فناورانه رشد کردند، به طوری که در اوایل دهه ۱۹۸۰، شرکت‌های داخلی کره جنوبی تقریباً ۹۰ درصد بازار دارو داخلی را در دست داشتند (در مقایسه با ۲۲ درصد در برزیل، ۴۷ درصد در آرژانتین، و ۳۰ درصد در هند). در طی این دوره، کره جنوبی فقط حق اختراع فرایندها - و نه حق اختراع محصولات - را در صنایع شیمیایی، آرایشی، و دارویی به رسمیت می‌شناخت و این امر به تولیدکنندگان داخلی اجازه می‌داد که فرایندهای مشمول حق اختراع را دور زده و به تولید محصولات شیمیایی و دارویی نسبتاً مشهور پردازند. اگر این رژیم حقوق مالکیت فکری ضعیف وجود نداشت، شرکت‌های دارویی داخلی نمی‌توانستند این قدر پیشرفت کنند. برخی از شرکت‌های داخلی از نظر فناورانه چنان پیشرفت کردند که می‌توانستند به طور جدی به تحقیق و توسعه پرداخته و ترکیب‌های دارویی جدیدی را کشف کنند.

لینسو کیم با بررسی بالا به این نتیجه رسیده است که در مرحله اولیه صنعتی شدن که یادگیری از طریق مهندسی معکوس و تقلید و الگوبرداری از محصولات خارجی صورت می‌گیرد، حمایت شدید از حقوق مالکیت فکری به جای تسهیل، باعث جلوگیری از انتقال فناوری و یادگیری درون‌زاد می‌شود. تنها پس از دستیابی به توانایی‌های بومی کافی و

1. Backward Integration.

زیرساخت‌های گسترده در زمینه علم و فناوری برای انجام تقلید اخلاقانه است که حمایت از حقوق مالکیت فکری به عامل مهمی در انتقال فناوری و فعالیت‌های صنعتی تبدیل می‌شود.^۱ ناگش کومار در مورد رژیم حقوق مالکیت فکری کره جنوبی می‌گوید که این کشور در سال ۱۹۶۱ بود که قانون حق اختراع را به تصویب رساند. در سال ۱۹۸۱ هم قانون حق اختراع کره جنوبی اصلاح شد تا با کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی هماهنگ شود، یعنی کنوانسیون که امکان ارائه تقاضاهای متعدد در مورد اختراعات مرتبط را در یک اظهارنامه واحد میسر می‌ساخت. با این حال، گستره حق اختراع شامل محصولات و فرایندهای مربوط به ساخت محصولات غذایی، مواد شیمیایی، و داروها نمی‌شد. پس از آن که آمریکا بر اساس ماده ۳۰۱ قانون تجارت خود، کره جنوبی را به دلیل عدم حمایت از محصولات آمریکایی به اعمال تحریم‌هایی علیه صادرات آن تهدید کرد، مجلس ملی کره جنوبی در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۶ قانون جدیدی را در مورد حق اختراع، حق نسخه‌برداری، و نرم‌افزار به تصویب رساند که در ژوئیه ۱۹۸۷ به مرحله اجرا درآمد. در قانون جدید، حق اختراع محصول به محصولات شیمیایی و دارویی جدید تعمیم یافت، مفاد جامعی در مورد حق نسخه‌برداری پذیرفته شد، و حق نسخه‌برداری به نرم‌افزارهای رایانه‌ای هم گسترش یافت. مدت حمایت از اختراعات هم از ۱۲ به ۱۵ سال افزایش یافت. علاوه بر این، کره جنوبی با حمایت از مدل‌های مصرفی یا کاربردی و طرح‌های صنعتی، رژیم را در مورد حقوق مالکیت فکری در پیش گرفت که اقتباس و الگوبرداری تقلیدی از فناوری‌های خارجی را برای شرکت‌های داخلی تسهیل می‌کرد. طبق اطلاعات موجود، بین ۹۲ تا ۹۵ درصد کل مدل‌های مصرفی یا کاربردی و طرح‌های صنعتی به اتباع کره جنوبی اعطا شده‌اند. در واقع، قوانین و مقررات این کشور به نحوی تنظیم شدند که حداقل استانداردهای بین‌المللی را برآورده سازند و علاوه بر این، اجرای قوانین هم شدید و سختگیرانه نبود. رژیم حق اختراع معتدل کره جنوبی با تسهیل تقلید تکثیری و مهندسی معکوس باعث تسهیل موفقیت شرکت‌های کره‌ای در جذب فناوری خارجی شد. به رغم تصویب قانون حق اختراع ۱۹۸۶ که حق اختراع محصول را به محصولات شیمیایی و دارویی تعمیم می‌داد، کره جنوبی همچنان به دلیل مسائل اجرایی تا سال ۱۹۹۳ بر اساس ماده ۳۰۱ ویژه آمریکا در فهرست کشورهای تحت مراقبت آمریکا

قرار داشت. کره جنوبی در فوریه ۱۹۹۳ برنامه جامع جدیدی را برای تقویت حمایت و اجرای حقوق مالکیت فکری در پیش گرفت که به تصویب یک قانون جدید در مورد حق اختراع در سال ۱۹۹۵ منتهی شد. باین حال، اغلب حمایت از حقوق مالکیت فکری را در کره جنوبی ضعیف دانسته‌اند.^۱

از مطالب بالا می‌توان به این جمع‌بندی رسید که کره جنوبی برای دستیابی به توسعه اقتصادی و فناورانه، علاوه بر استفاده از شیوه‌های رسمی انتقال فناوری یعنی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اخذ لیسانس خارجی، و واردات کالاهای سرمایه‌ای و همچنین استفاده از نیروی انسانی ماهر خارجی، به توسعه فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و سپس جهانی ساختن فعالیت‌های تحقیق و توسعه خود با ایجاد یک محیط رقابتی پرداخته است. در این فرایند، کره جنوبی در ابتدا که فاقد توانایی‌های فناورانه بومی بود، به اتخاذ یک رژیم حقوق مالکیت فکری ضعیف (مثل حمایت از مدل‌های مصرفی یا کاربردی و طرح‌های صنعتی و عدم پذیرش حق اختراع در مورد محصولات و فرایندهای مربوط به ساخت محصولات غذایی، مواد شیمیایی، و داروها) پرداخت تا نوآوری‌ها و اختراعات کوچک داخلی را تشویق و اقتباس و الگوبرداری از فناوری‌های خارجی را تسهیل کند؛ آنگاه، به تدریج بر اثر پیشرفت‌های داخلی و فشارهای خارجی، رژیم حقوق مالکیت فکری خود را قوی‌تر ساخت، گو این که بازهم عناصری از رژیم حقوق مالکیت فکری ضعیف گذشته - مثل حمایت از مدل‌های مصرفی یا کاربردی و طرح‌های صنعتی و عدم اجرای سختگیرانه حقوق مالکیت فکری - را حفظ کرده است. جالب این است که کره جنوبی حتی پس از تقویت رژیم حقوق مالکیت فکری خود بر اثر فشارهای آمریکا و سپس عضویت در سازمان تجارت جهانی و اجرای موافقت‌نامه تریپس بازهم توانسته است به توسعه فناورانه خود ادامه دهد و آمارهای اختراعات ثبت شده آن دائماً رو به افزایش و سهم اختراعات داخلی هم بیشتر بوده است.^۲

در مورد تحول نظام حقوق مالکیت فکری چین نیز باید گفت که اگرچه این کشور از

1. Kumar 2003.

برای آشنایی با فشارهای یکجانبه آمریکا به کشورهای دیگر از جمله کره جنوبی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری و فضای دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ هم نک: بزگرگی ۱۳۸۹، ص ۱۲۵-۱۱۹.

۲. - برای مشاهده آمار مذکور، از جمله، نک. تارنمای سازمان جهانی مالکیت فکری:

http://www.wipo.int/ipstats/en/statistics/country_profile/profile.jsp?code=KR.

نظر شناسایی مالکیت فکری جزو با سابقه‌ترین کشورهاست، ولی مفهوم حمایت از مالکیت فکری به عنوان یک حق فردی و نه یک حق دولتی نسبتاً در جامعه باستانی چین وجود نداشت و فقط در چند دهه اخیر به رسمیت شناخته شده است. در گذشته، این حقوق به جامعه و پادشاه تعلق داشت. در فلسفه‌های سنتی کنفوسیوسی و تائوئیستی در چین هم بر یادگیری جمعی و تفوق تعالیم سنتی بر نوآوری و منافع فردی تأکید می‌شد. در این فلسفه‌ها، حقوق مالکیت فکری به کل جامعه تعلق داشت و تقلید، جزء جدانشدنی فرایند یادگیری بود. تنها در قرن نوزدهم و همزمان با افزایش ارتباط چین با غرب بود که این کشور از طریق انعقاد معاهداتی با آمریکا در مورد حق اختراع با مفاهیم مالکیت فکری آشنا شد.^۱

بر این اساس، حمایت از حقوق مالکیت فکری با تأخیر به چین راه یافت و اولین قانون حق اختراع در سال ۱۸۹۸ و ۱۲ سال پس از آن هم قانون حق نسخه‌برداری به تصویب رسید. ولی این حمایت نوپا از حقوق مالکیت فکری با روی کار آمدن کمونیست‌ها در سال ۱۹۴۹ و تأسیس جمهوری خلق چین و متعاقباً انحلال نظام حقوقی موجود این کشور از میان رفت.^۲ پس از انقلاب کمونیستی، «مقررات موقتی در مورد حمایت از حقوق ابداع و حق اختراع»^۳ در سال ۱۹۵۰ به تصویب رسید که به مخترع یک گواهی همراه با یک جبران محدود داده می‌شد ولی حق اشاعه اختراع به دولت تعلق داشت. حتی این حمایت‌ها نیز با «انقلاب فرهنگی» از میان رفت، انقلابی که علیه حقوق مدون و مالکیت خصوصی بود.^۴

با پایان انقلاب فرهنگی و آغاز سیاست درهای باز دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸ و تصویب پنجمین قانون اساسی چین در سال ۱۹۸۲ بود که زمینه برای انجام اصلاحات اقتصادی و تصویب قوانین ماهوی در مورد حقوق مالکیت فکری مهیا شد (بعداً در سال ۱۹۹۳ مفهوم سوسیالیسم بازارگرا^۵ وارد قانون اساسی چین شد و حقوق مالکیت خصوصی هم در اوایل سال ۲۰۰۷ در اصلاحیه قانون اساسی گنجانده شد^۶). در واقع، گرایش چین به اصلاحات اقتصادی و تعامل با اقتصاد جهانی از یک سو به تصویب قوانینی مانند قوانین غرب

1. Kassner 2012, p. 4.

2. Schiappacasset 2004, p. 176.

3. Provisional Regulations on the Protection of Invention Rights and Patent Right

4. Kassner 2012, p. 4.

5. Market Socialism.

6. Cheung 2009, p. 3.

در مورد حقوق مالکیت فکری انجامید و از سوی دیگر باعث پیوستن این کشور به برخی سازمانها و معاهدات بین‌المللی در این زمینه شد. بدین ترتیب، قانون علایم تجاری در سال ۱۹۸۳ و سپس قانون حق اختراع در سال ۱۹۸۴ و قانون حق نسخه‌برداری در سال ۱۹۹۰ به تصویب رسید. علاوه بر این، چین در سال ۱۹۸۰ به سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)، در سال ۱۹۸۵ به کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، و در سال ۱۹۹۲ به کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری پیوست.^۱

بر اثر فشارهای آمریکا برای افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری در چین هم این کشور در اوایل دهه ۱۹۹۰ تا حد زیادی قوانین خود در مورد حقوق مالکیت فکری را اصلاح کرد و در سال ۱۹۹۵ گفته می‌شد که قوانین حقوق مالکیت فکری چین تا حد زیادی با موافقت‌نامه تریپس سازگاری داشت.^۲

چین در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۱ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد و بدون برخورداری از مهلت‌های انتقالی کشورهای در حال توسعه قرار بود که به محض عضویت، موافقت‌نامه تریپس را به اجرا درآورد. بر همین اساس، قانون حق اختراع ۱۹۸۴ در ۲۵ اوت ۲۰۰۰ و قانون علایم تجاری ۱۹۸۲ و قانون حق نسخه‌برداری ۱۹۹۰ در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۱ اصلاح شدند. قبلاً هم قانون حق اختراع و قانون علایم تجاری به ترتیب در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ اصلاح شده بودند.^۳ سه قانون پایه‌ای مذکور با مقررات دیگری در زمینه‌های زیر نیز تکمیل می‌شدند: حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب سال ۱۹۹۱ و اصلاح‌شده در سال ۲۰۰۱)، حمایت از گونه‌های گیاهی جدید و حمایت از طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه (۲۰۰۱). به‌علاوه در سال ۱۹۹۳ نیز قانون مبارزه با رقابت غیرمنصفانه^۴ به تصویب رسید که مبنای حقوقی حمایت از اسرار تجاری و دانش فنی را فراهم می‌ساخت.

۱ - چین قبل و بعد از الحاق به سازمان جهانی تجارت به معاهدات بین‌المللی بسیار دیگری در مورد حقوق مالکیت فکری نیز پیوسته است. نک. به تارنمای سازمان جهانی مالکیت فکری:

<http://www.wipo.int/wipolex/en/profile.jsp?code=cn>.

2. Schiappacasset 2004, p. 176.

۳ - بعداً هم قانون حق اختراع در سال ۲۰۰۸، قانون حق نسخه‌برداری در سال ۲۰۱۰ و قانون علایم تجاری در سال ۲۰۱۴ اصلاح شدند. برای مشاهده قوانین و مقررات داخلی و معاهدات بین‌المللی چین در زمینه حقوق مالکیت فکری، نک. به تارنمای سازمان جهانی مالکیت فکری:

<http://www.wipo.int/wipolex/en/profile.jsp?code=cn>.

4. Anti-Unfair Competition Law

به این ترتیب، چین با اصلاح قوانین داخلی خود و الحاق به معاهدات بین‌المللی مذکور در زمینه حقوق مالکیت فکری، دارای مجموعه قوانین نسبتاً خوبی در این زمینه است، ولی در سرتاسر ادبیات موجود در این زمینه از عدم اجرای جلدی حقوق مالکیت فکری و گستردگی نقض این حقوق - به‌ویژه در زمینه حق نسخه‌برداری - در چین بشدت انتقاد می‌شود. در واقع، همان‌طور که بسیاری از منتقدان اشاره کرده‌اند، مسأله این نیست که چین فاقد قوانین حقوق مالکیت فکری است، بلکه مسأله این است که چین قوانین مذکور را اجرا نمی‌کند. گفته می‌شود که چین به عنوان بزرگترین تولیدکننده کالاهای تقلبی، دارای شبکه گسترده و پیچیده‌ای از تولیدکنندگان کالاهای تقلبی است که عملاً به تولید کالاهای هر صنعتی می‌پردازند. بیش از نیمی از کل گوشی‌های همراه، شامپوها، تیغ‌های ریش‌تراشی، و سیگارهایی که در چین فروخته می‌شود، تقلبی است. نصب برجسب‌های تقلبی بر محصولات کشاورزی و سایر محصولات غذایی رایج است. کالاهای تقلبی هم در داخل چین فروخته می‌شوند و هم به کشورهای دیگر صادر می‌شوند.^۱ طبق آمارهای دستگاه‌های مختلف، ۹۰ تا ۹۹ درصد نرم‌افزارها در چین (از جمله نرم‌افزارهای مورد استفاده دولت) تقلبی است.^۲ طبق آمارهای دیگر، در سال ۲۰۰۶، ۸۵ تا ۹۳ درصد کل محصولات مشمول حق نسخه‌برداری که در چین فروخته شده بود، تقلبی یا غیرمجاز بودند.^۳ بر اساس برآورد یکی از گزارشات کمیسیون تجارت بین‌الملل آمریکا هم زیان اقتصاد این کشور از نقض حقوق مالکیت فکری در چین در سال ۲۰۰۹ به حدود ۲,۴۸ میلیارد دلار می‌رسید.^۴ گستردگی نقض حقوق مالکیت فکری در چین باعث شده است که این موضوع به یکی از موضوعات عمده مذاکرات و توافقات بسیاری بین آمریکا و چین تبدیل شود^۵ و آمریکا در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ برای وادار ساختن چین به بهبود اجرای حقوق مالکیت فکری، به

۱. البته در گزارشات رسمی چین آمده است که پس از الحاق این کشور به سازمان جهانی تجارت، گمرکات چین حمایت از حقوق مالکیت فکری را در مرزها تقویت کرده و با همکاری نزدیک با دستگاه قضایی، دفاتر حقوق مالکیت فکری، و صاحبان حقوق مالکیت فکری به جلوگیری از واردات و صادرات کالاهای مظنون به نقض حقوق مالکیت فکری پرداخته‌اند و آمار رسیدگی به شکایات در این زمینه افزایش یافته است. نک:

OECD 2005, p. 53.

2. Kassner 2012, p. 1.

3. Cheung 2009, p. 36.

4. United States International Trade Commission 2011, p. xv.

۵. - برای بررسی مذاکرات و توافقات مذکور، از جمله، نک. فصل سوم اثر زیر:

Cheung 2009.

اقدامات زیادی مانند تهدید اعمال تحریم‌های تجاری، تهدید به عدم تمدید وضعیت دولت کامله‌الوداد در مورد چین، مخالفت با الحاق چین به سازمان تجارت جهانی، قرار دادن چین در فهرست کشورهای تحت مراقبت، شکایت از چین در سازمان تجارت جهانی و غیره دست زد.^۱ با این حال، به رغم انجام برخی اصلاحات و اقدامات در چین، نقض حقوق مالکیت فکری در این کشور هنوز بسیار گسترده است.^۲

به این ترتیب، چین در زمینه حقوق مالکیت فکری از یک سو اقدامات و اصلاحات زیادی انجام داده و از سوی دیگر با چالش‌ها و کمبودهای بسیاری روبه‌روست.^۳ بر همین اساس هم برخی مانند ریچارد ساتمایر و شیانگ کوئی یائو چین را یک کشور در حال گذار از نظر حقوق مالکیت فکری می‌دانند که در همان مسیر همپایی فناورانه^۴ یا همان روند طبیعی تکامل حقوق مالکیت فکری قرار دارد که بسیاری از کشورهای دیگر آن را پیموده‌اند. از نظر نویسندگان مذکور، در این فرایند گذار، گرایش‌های ذهنی و رویه‌های عملی معطوف به ایجاد و حفظ یک رژیم حقوق مالکیت فکری، مراحل را طی می‌کنند. در مراحل اولیه صنعتی شدن، تقلید رواج دارد و نقض حقوق مالکیت فکری گسترده است. با موفقیت در مراحل اولیه توسعه فناورانه، توانایی‌های جدیدی ظاهر می‌شود و در نتیجه این تصور تقویت

1. Kassner 2012, p. 2.

گفته می‌شود که آمریکا سه دفتر برای وابسته‌های حقوق مالکیت فکری خود در چین دارد و یک گروه پنج‌نفره از حقوق‌دانان چینی هم به پشتیبانی از آنها می‌پردازد. آمریکا در هیچ کشور دیگری بیش از یک وابسته حقوق مالکیت فکری ندارد. نک:

Rea 2013.

۲. در مورد علل گسترده‌گی نقض حقوق مالکیت فکری در چین، از جمله، نک:

Cheung 2009, p. 20-22; Schiappacasset 2004, p. 178-179; Cheung 2009, p. 1-4 and Kassner 2012, p. 4-5.

۳. برای مطالعه یک گزارش رسمی نسبتاً مفصل چین در مورد شرایط و اقدامات این کشور در زمینه حقوق مالکیت فکری (از جمله تدوین و اصلاح قوانین داخلی، الحاق به معاهدات بین‌المللی، نهادسازی و توسعه سازوکارهای اداری و قضایی، توسعه آموزش حقوق مالکیت فکری حتی در مقاطع ابتدایی و متوسطه و تأسیس رشته حقوق مالکیت فکری در دانشگاه‌ها در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، تأسیس دادگاه‌های تخصصی، و تقویت گمرک برای حمایت مرزی از حقوق مالکیت فکری) و همچنین برخی مشکلات و چالش‌های پیش روی این کشور (مانند شکایتهای خارجی‌ان علیه کالاهای صادراتی چین، بالا بودن هزینه‌های ثبت اختراع در خارج، آگاهی کم در مورد حقوق مالکیت فکری در بنگاه‌ها و جامعه به طور کلی، عدم هماهنگی کافی بین دوایر مختلف ذی‌ربط، اختلافات و تفاوت‌های مناطق مختلف، حمایت‌گرایی حکومت‌های محلی، عدم ارتباط کافی دستگاه‌های قانونگذاری و سیاستگذاری با بنگاه‌های داخلی، کمبود منابع مالی و انسانی، عدم کفایت تحقیق و توسعه، ضعف در مدیریت حقوق مالکیت فکری، و فقدان قوانین ضدانحصار)، نک:

OECD 2005, p. 43-57.

4. Technological Catch-up

می‌شود که حمایت از حقوق مالکیت فکری ممکن است برای پیشرفت فناورانه و رسیدن به مرحله بعد لازم باشد. نوآوران داخلی به طرفداران تقویت رژیم حقوق مالکیت فکری تبدیل می‌شوند و دولت‌ها نیز درمی‌یابند که اکنون اجرای حقوق مالکیت فکری به نفع منافع ملی - و نه صرفاً به نفع دولت‌ها و شرکت‌های خارجی - است. وقتی که صادرات کشور با چالش و مخالفت صاحبان حقوق مالکیت فکری در خارج روبه‌رو می‌شود، تحولات داخلی مذکور به وسیله تجربه‌های خارجی تقویت می‌شود.^۱ این ترکیب چالش‌های خارجی در بازارهای صادراتی و افزایش طرفداران داخلی حقوق مالکیت فکری باعث شکل‌گیری یک رژیم ملی حقوق مالکیت فکری می‌شود که به تدریج انگیزه حرکت به سمت هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی حقوق مالکیت فکری را تقویت می‌کند. بنابراین، نیروهای ناشی از گذار جامعه به سمت حقوق مالکیت فکری حداقل به اندازه فشارهای خارجی، در تحول به سمت یک رژیم حقوق مالکیت فکری قوی نقش دارند.^۲

از نظر ساتمایر و یائو، چین امروز هم اگرچه قطعاً مرحله تقلید را پشت سر نگذاشته ولی به مرحله‌ای رسیده است که بسیاری از ذی‌نفعان داخلی - دانشمندان، مهندسان، کارآفرینان، هنرمندان خلاق، طراحان، و رهبران سیاسی - یک رژیم حقوق مالکیت فکری قوی‌تر را با منافع شخصی و منافع ملی خود سازگارتر می‌بینند و محصولات صادراتی ناقص حقوق مالکیت فکری دیگران یا محتاج حمایت از حقوق مالکیت فکری خود با چالش احتمالی دیگران روبه‌رو خواهد شد. این تحولات به وسیله پیوندهای بین‌المللی با نهادهای حقوق مالکیت فکری و شبکه‌های جهانی نوآوری که به حقوق مالکیت فکری و صاحبان آن بها می‌دهند، تقویت می‌شود. این روندها با آگاهی چین از اهمیت نوآوری برای آینده کشور درآمیخته و چین اکنون حقوق مالکیت فکری را دارای اهمیتی راهبردی تلقی کرده و می‌کوشد تا رژیم حقوق مالکیت فکری خود را با سیاست‌های صنعتی و فناورانه بلندپروازانه خود هماهنگ‌کننده و به سطوح بالاتر زنجیره ارزش ارتقا یابد.

۱. کاکس و سپتیس هم می‌گویند وقتی که صادرات به سایر کشورها افزایش می‌یابد، احتمال روبه‌رو شدن با مخالفت و شکایت اتباع آن کشورها علیه کالاهای ناقص حقوق مالکیت فکری متعلق به آن کشورها قاعدتاً باعث خواهد شد که صادرکنندگان مذکور ضرورت حمایت از حقوق مالکیت فکری متعلق به دیگران را بیشتر احساس کنند، زیرا در غیر این صورت با خطر قطع صادرات خود و تحمل زیان زیادی روبه‌رو خواهند شد. نک:

Cox and Sepetys 2006, p. 11.

2. Suttmeier and Yao 2011, p. 6 and Cox and Sepetys 2006, p. 3-4.

به این ترتیب، چین اکنون در آستانه گذار در زمینه حقوق مالکیت فکری است و برنامه‌های مختلف این کشور نیز نشانگر توجه بیشتر چین به توسعه دانش‌بنیان و تقویت حقوق مالکیت فکری است: برنامه‌های پنجساله، برنامه پانزده‌ساله میان‌مدت و بلندمدت چین برای توسعه علمی و فناوریانه^۱ (۲۰۰۶)، راهبرد ملی مالکیت فکری^۲ (۲۰۰۸)، راهبرد ملی توسعه اختراعات^۳ (۲۰۱۱-۲۰۲۰)، برنامه توسعه حقوق مالکیت فکری^۴ (۲۰۱۰) و غیره. برنامه‌های مذکور را باید در راستای دستیابی به هدف برنامه پانزده‌ساله مذکور یعنی تبدیل چین به یک کشور نوآور تا سال ۲۰۲۰ دید. اجرای راهبرد مالکیت فکری چین هم باعث افزایش شدید تعداد درخواستهای ثبت حق اختراع و حق‌نسخه‌برداری شد. تعداد درخواست‌های حق اختراع در اداره مالکیت فکری چین^۵ از ۴۷۶۲۶۴ در سال ۲۰۰۵ به ۱۲۲۲۲۸۶ در سال ۲۰۱۰ رسید و از این تعداد ۱۱۰۹۲۲۸ درخواست به چینی‌ها و ۱۱۲۸۵۸ درخواست به خارجی‌ها تعلق داشت. در همین دوره، چین از اروپا و کره جنوبی فراتر رفت و به رتبه سوم در جهان پس از آمریکا و ژاپن رسید.^۶ در زمینه حق نسخه‌برداری هم تعداد درخواست‌های ثبت نرم‌افزارهای رایانه‌ای از حدود ۲۱۵۰۰ در سال ۲۰۰۶ به حدود ۸۲۰۰۰ در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت. به دنبال اجرای راهبرد مذکور، دادگاه‌های تخصصی در زمینه حقوق مالکیت فکری همراه با قضات حاذق نیز توسعه یافت و تعداد شکایات مربوط به حقوق مالکیت فکری بسیار افزایش یافت که اکثر آنها شامل شکایت چینی‌ها علیه خود چینی‌ها می‌شد. در سال ۲۰۰۹ تعداد دعاوی مدنی حدود ۳۰۶۲۶ دعوی بود که در سال ۲۰۱۰ به ۴۲۹۰۲ دعوی افزایش یافت و از این نظر رتبه اول در جهان بود. راهبرد مالکیت فکری باعث تقویت منابع انسانی از طریق آموزش و همچنین ایجاد تحولاتی در فرهنگ حقوق مالکیت فکری در چین حداقل در برخی مناطق شد. با این حال، راهبرد مذکور ضمن

1. Medium- to Long-Term Plan for Scientific and Technological Development

2. National Intellectual Property Strategy

3. National Patent Development Strategy (2011-20)

4. IPR Promotion Plan

5. State Intellectual Property Office (SIPO)

۶- آمارهای سازمان جهانی مالکیت فکری برای سالهای ۲۰۱۴-۲۰۰۰ نیز نشان می‌دهد که چین در همه زمینه‌های درخواست و ثبت حق اختراع، علائم تجاری، مدل‌های مصرفی یا کاربردی، و طرح‌های صنعتی رشد زیادی داشته و این کشور در اکثر موارد به رتبه اول در جهانی رسیده و سهم اتباع داخلی آن هم از اتباع خارجی پیشی گرفته است. نک. به تارنمای سازمان جهانی مالکیت فکری:

http://www.wipo.int/ipstats/en/statistics/country_profile/profile.jsp?code=CN.

تشویق شرکت‌ها، مؤسسات پژوهشی، دانشگاه‌ها، و حکومت‌های محلی به کسب حقوق مالکیت فکری باعث بروز هجوم غیرقابل‌کنترلی شد که بررسی ماهوی درخواست‌های مذکور را غیرممکن می‌ساخت.^۱

۳. اشاراتی در مورد ایران

همان‌طور که دیدیم، بررسی مطالعات و تحقیقات تجربی در مورد تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر رشد و توسعه اقتصادی به گونه‌ای درون‌زاد (از طریق تشویق نوآوری و تحقیق و توسعه در داخل) و برون‌زاد (از طریق تشویق انتقال فناوری خارجی از طرق عمده تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، و اعطای لیسانس) نشان می‌دهد که حمایت از حقوق مالکیت فکری کمابیش تأثیری مثبت در هر دو زمینه درون‌زاد و برون‌زاد دربردارد. در عین حال، بسیاری از نویسندگان با اشاره به رابطه حقوق مالکیت فکری با سطح توسعه اقتصادی کشورها تأکید کرده‌اند که در مراحل اولیه توسعه بهتر است یک رژیم یا نظام حقوق مالکیت فکری ضعیف (مثل حمایت از مدل‌های مصرفی یا کاربردی و طرح‌های صنعتی به جای حمایت از حق اختراع) اتخاذ شود تا باعث تشویق نوآوری‌های کوچک و تدریجی و جذب سرریزهای دانش یا انتشار دانش شود و آنگاه پس از ارتقای سطح نوآوری‌ها و فناوری‌ها و دستیابی به بلوغ فناورانه و ضرورت یافتن حمایت بیشتر از دانش صنایع داخلی است که اتخاذ یک نظام حقوق مالکیت فکری قوی (مثلاً از طریق حمایت از حق اختراع) می‌تواند مفید باشد.

از یافته‌های مطالعات مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که ایران هم با توجه به این که از سطوح اولیه توسعه عبور کرده و در موقعیتی بینابینی قرار دارد، به رژیمی بینابینی یا تلفیقی در مورد حقوق مالکیت فکری نیاز دارد، یعنی رژیمی که از یک سو برای حمایت از نوآوری‌های محدودتر داخلی به حمایت از مدل‌های مصرفی یا کاربردی و طرح‌های صنعتی و از سوی دیگر برای حمایت و تشویق نوآوری‌های بزرگتر داخلی و جذب فناوری‌های پیچیده‌تر خارجی به حمایت از حق اختراع پردازد. به عبارت دیگر باید به رژیم مناسبی دست

۱. در مورد شرایط و مشکلات چین در زمینه حقوق مالکیت فکری، همچنین، نک:

Kassner 2012, p. 5-7; Schiappacasset 2004, p. 183-185 and OECD 2005, p. 11-12 and 50-52.

یافت که ارتقای نوآوری تدریجی داخلی و درعین حال جذب فناوری خارجی را میسر سازد.^۱ از طرف دیگر با توجه به جهانشمولی موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) و تعداد اعضای سازمان تجارت جهانی و همچنین با توجه به تصمیم ایران برای پیوستن به سازمان مذکور به نظر می‌رسد که چندان مثل گذشته نمی‌توان آزادی عمل مطلق داشت و موافقت‌نامه تریپس به نوعی چارچوب عمومی و حداقل تبدیل شده است. با این حال، در موافقت‌نامه تریپس هم از یک سو مواد بسیاری وجود دارد که در آنها استثنائات و محدودیت‌هایی برای حقوق انحصاری صاحبان حقوق مالکیت فکری پیش‌بینی شده است و از سوی دیگر مفادی وجود دارد که صریحاً به لزوم انتقال فناوری و مقابله با رویه‌های ضد رقابتی اشاره و حق اتخاذ اقدامات مقتضی در این زمینه را به اعضا اعطا نموده است.^۲ بررسی‌های کشوری پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که پس از الحاق کشورهای مذکور به سازمان تجارت جهانی و اجرای موافقت‌نامه تریپس، نه تنها توسعه فناورانه در آنها کند نشده بلکه نوآوری و تحقیق و توسعه داخلی و جذب فناوری خارجی در آن کشورها حتی با سرعت بیشتری ادامه یافته است. بنابراین، به نظر می‌رسد که برای ایران می‌توان یک رژیم ترکیبی را در مورد حقوق مالکیت فکری اتخاذ کرد که از یک سو به فرایند توسعه ایران کمک کند و از سوی دیگر با مفاد موافقت‌نامه تریپس تعارض نداشته و ایران را برای الحاق به سازمان تجارت جهانی آماده سازد.

در اینجا بد نیست به طور مختصر اشاره شود که سیر تحول قوانین و مقررات ایران درباره حقوق مالکیت فکری از سال ۱۳۰۴ تا کنون نشان می‌دهد که قوانین مربوط به حقوق مالکیت صنعتی به‌ویژه در دو دهه اخیر تکمیل و روزآمد شده و تا حد زیادی با استانداردهای بین‌المللی از جمله موافقت‌نامه تریپس همخوانی دارد. برای مثال، قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری که در سال ۱۳۸۶ جایگزین قوانین قبلی شد، در سه حوزه تحت پوشش آن روزآمد شده و کمبودها و نارسایی‌های محدود آن نیز

۱. در نظرسنجی که از صاحب‌نظران حوزه مالکیت فکری در ایران به عمل آمده است، بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان ارتقای حمایت از حقوق مالکیت فکری را برای ایران ضروری دانسته‌اند؛ نیمی از پاسخگویان ارتقای حمایت از حقوق مالکیت فکری در ایران را در کوتاه‌مدت به نفع جامعه دانسته و نیمی دیگر با این نظر مخالف بوده‌اند؛ بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان هم ارتقای حمایت از حقوق مالکیت فکری در ایران را در بلندمدت به نفع جامعه دانسته‌اند. نک: فتحی‌زاده ۱۳۹۱، ص ۲۷۴-۲۷۰.

۲. - برای آشنایی با انعطاف‌های موجود در موافقت‌نامه تریپس، از جمله، نک: بزرگی (۱۳۸۹)، ص ۱۴۰-۱۳۷.

با اصلاح قانون مربوطه می‌تواند برطرف شود. البته در «طرح حمایت از مالکیت صنعتی (ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری)» که به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است، بسیاری از کمبودهای قانون مذکور برطرف شده و ضمن استفاده وسیعتر از استثنائات و انعطاف‌های موجود در اسناد بین‌المللی از جمله موافقت‌نامه تریپس، حمایت از مدل‌های مصرفی یا کاربردی به رسمیت شناخته شده، شکل بین‌المللی رژیم استیفا یا خاتمه حقوق^۱ پذیرفته شده، و مفادی در مورد انواع علائم تجاری (مانند علائم جمعی^۲ یا علائم تأییدی^۳)، نام تجاری، اسرار تجاری و اطلاعات مربوط به آزمایش^۴، و رقابت غیرمنصفانه اضافه شده است. در مورد برخی مقوله‌ها نظیر علائم جغرافیایی، گونه‌های گیاهی، اطلاعات افشانشده، رویه‌های ضد رقابتی در قراردادهای اعطای لیسانس و نام تجاری هم کمبود و مغایرتی در قوانین ایران وجود ندارد، ولی در مورد طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه اصولاً قانون مشخصی وجود ندارد و باید قانون مستقلی تدوین و تصویب گشته یا در قوانین دیگر مثل قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری بخش جداگانه‌ای اضافه شود. با این حال، به رغم تکمیل و روزآمدسازی نسبی حوزه حقوق مالکیت صنعتی، قوانین و مقررات ایران در مورد حق نسخه‌برداری و حقوق مرتبط/جانبی کمبودها و مغایرت‌های زیادی دارد که بهتر است قانون جدیدی در این زمینه تدوین و تصویب گردد. در این زمینه هم باید اضافه نمود که در «لایحه حمایت از مالکیت فکری (کتاب اول- مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط)» که به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است، تا حد زیادی کمبودهای موجود در قوانین جاری ایران در زمینه آثار مورد حمایت، شرایط حمایت، شناسایی پدیدآورنده، مدت حمایت، حقوق مرتبط/جانبی، و حقوق اجاره‌ای برطرف شده و به طور نسبتاً مفصلی به استفاده‌های مجاز بدون کسب اجازه از دارنده حقوق از جمله مجوزهای اجباری برای ترجمه آثار منتشر شده پرداخته شده است، گویانکه در این لایحه نیز فقط به حمایت از آثار اتباع ایرانی و آثار منتشر یا اجرا شده برای نخستین بار در ایران بدون انتشار یا اجرای قبلی در کشوری دیگر اشاره شده است که این مقرر برای اجرا در داخل کشور به خودی خود ایرادی ندارد، ولی بهتر است در قانون داخلی مقررهای اضافه

1. Exhaustion.

2. Collective Marks.

3. Certification Marks.

4. Test Data.

شود که امکان حمایت از آثار خارجی را در صورت وجود یک عهدنامه متقابل فراهم سازد تا الحاق به نهادها و اسناد بین‌المللی را تسهیل کند. در زمینه اجرای حقوق مالکیت فکری هم به نظر می‌رسد که در قوانین و مقررات ایران در مجموع کمبود و مغایرتی وجود ندارد، گو این که به نظر می‌رسد در عمل باید برای توسعه بسترهای اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری از طریق اقداماتی نظیر تربیت کارشناسان کافی، ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی در دستگاه‌های مسئول، فعالتر شدن گمرک و توسعه دادگاه‌های تخصصی و تربیت قضات متخصص حوزه‌های مختلف حقوق مالکیت فکری تلاش شود.

نکته آخر این که، همان طور که قبلاً اشاره شد، عوامل بسیار دیگری در ارتقای رشد و توسعه اقتصادی از جمله از طریق حمایت از حقوق مالکیت فکری دخیل هستند که از ثبات و امنیت و وجود یک فضای کسب‌وکار مناسب و رقابتی تا وجود زیرساخت‌های لازم حقوقی و نهادی (اجرا) و انسانی (نیروی انسانی ماهر) و فیزیکی (مثل ارتباطات) را دربرمی‌گیرند. ایران هم علاوه بر اتخاذ یک رژیم مناسب در زمینه حقوق مالکیت فکری باید با دیدی جامع و کلان‌نگر به ایجاد یک محیط رقابتی و یک فضای کسب‌وکار مناسب اهتمام ورزد. همان طور که از بررسی تجربه هند می‌توان نتیجه گرفت، آنچه توسعه اقتصادی و فناورانه یک کشور را رقم می‌زند مجموعه سیاست‌های آن کشور است و یک نظام مالکیت فکری قوی به تنهایی مانع از توسعه و پیشرفت یک کشور نمی‌شود و یک نظام مالکیت فکری ضعیف نیز به تنهایی به توسعه و پیشرفت یک کشور نمی‌انجامد، گو این که رژیم مالکیت فکری در تُند یا کُند شدن پیشرفت یک کشور و همچنین در تعیین مسیر پیشرفت آن نقشی گاه اساسی دارد.

به این ترتیب، بر اساس پژوهش حاضر می‌توان توصیه‌های زیر را برای ایران ارائه داد:

- ۱- تبدیل حقوق مالکیت فکری به یک موضوع راهبردی در کشور برای ارتقای نوآوری داخلی و جذب فناوری خارجی و تدوین و تعقیب یک سیاست یا راهبرد ملی در مورد حقوق مالکیت فکری.
- ۲- مدیریت یکپارچه و هماهنگ کلیه امور مربوط به حقوق مالکیت فکری برای رفع ناهماهنگی‌ها، تداخل وظایف و بخشی‌نگری موجود بین سازمان‌های ذی‌ربط و تدوین یک برنامه راهبردی جامع در این زمینه.
- ۳- اتخاذ یک رژیم حقوق مالکیت فکری ترکیبی دربردارنده امتیازات هر دو نوع

- رژیم‌های ضعیف (حمایت از مدل‌های مصرفی یا کاربردی و طرح‌های صنعتی) و قوی (حمایت از حق اختراع) همراه با استفاده از انعطاف‌ها و استثنائات پذیرفته شده بین‌المللی از جمله در مورد انتقال فناوری و مقابله با رویه‌های ضد رقابتی.
- ۴- نوسازی قوانین و مقررات کشور بر اساس استانداردهای بین‌المللی و با لحاظ کردن منافع و مصالح کشور.
- ۵- ایجاد شرایط کلان سیاسی-اقتصادی با ثبات همراه با یک فضای کسب و کار مناسب و رقابتی.

منابع

- بزرگی، وحید (۱۳۸۹) درآمدی بر سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران. تهران: قومس.
- پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (برگزارکننده) (۱۳۸۹) مجموعه مقالات همایش مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- زرکلام، ستار (۱۳۸۸) حقوق مالکیت ادبی و هنری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فتحی‌زاده، امیرھوشنگ (۱۳۹۱) تدوین راهبردهای حقوق مالکیت فکری جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری مدیریت راهبردی از دانشگاه عالی دفاع ملی.
- نوروزی، حسین (۱۳۸۹) بررسی اثرات اقتصادی و تجاری اجرای استانداردهای بین‌المللی حقوق مالکیت فکری از جمله موافقت‌نامه تریپس در ایران و بررسی تجربه سایر کشورها. پژوهش انجام شده در مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- وکیل، امیر ساعد (۱۳۸۳) حمایت از حقوق مالکیت فکری در سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران. تهران: مجلد.
- Bedi, Neena, P. M. S. Bedi and Balwinder S. Sooch (2013) "Patenting and R&D in Indian Pharmaceutical Industry: Post-TRIPS Scenario." *Journal of Intellectual Property Rights*, Vol. 18, March, p. 105-110.
- Cheung, Gordon C. K. (2009) *Intellectual Property Rights in China: Politics of Piracy, Trade and Protection*. London and New York: Routledge.
- Cox, Alan and Kristina Sepetys (2006) Intellectual Property Rights Protection in China: Litigation, Economic Damages, and Case Strategies, in Gregory K. Leonard and Lauren J. Stiroh, "Economic Approaches to Intellectual Property: Policy, Litigation and Management", New York: NERA economists Gregory. Available at: http://www.nera.com/content/dam/nera/publications/archive1/PUB_IPR_Protection_China_IP1138.pdf.
- Dinopoulos, Elias and Paul Segerstrom (2008) "Intellectual Property Rights, Multinational Firms and Economic Growth." Available at: <http://bear.cba.ufl.edu/dinopoulos/Research.html>.
- Eicher, Theo S. and Monique Newiak (2013) "Intellectual Property Rights as Development Determinants." *Canadian Journal of Economics*, vol. 46, issue 1, p. 4-22.
- Fink, Carsten and Keith E. Maskus, eds. (2005) *Intellectual Property and Development: Lessons from Recent Economic Research*. Washington, D.C.: The World Bank.
- Gervais, Daniel J. (2005) "Intellectual Property, Trade & Development: The State of Play." *Fordham Law Review*, vol. 74, issue 2, p. 505-535.
- Greene, William (2007) The Emergence of India's Pharmaceutical Industry and Implications for the U.S. Generic Drug Market. *Working Paper* No. 2007-05-A. Office of Economics of the U.S. International Trade Commission.
- Hassan, Emmanuel, Ohid Yaqub, and Stephanie Diepeveen (2010) *Intellectual Property and Developing Countries: A Review of the Literature*. Santa Monica, California:

- RAND Corporation.
- Kamiike, Atsuko and Takahiro Sato (2012) "The TRIPs Agreement and the Pharmaceutical Industry: The Indian Experience." Available at: http://src-h.slav.hokudai.ac.jp/rp/publications/no11/11-07_Kamiike&Sato.pdf.
- Kapoor, Amit and Sankalp Sharma (2015) Intellectual Property Rights in India: Innovation and Competitiveness in the Indian Context. The National Bureau of Asian Research, India's Innovation and IP Policies Working Paper. Available at: http://nbr.org/downloads/pdfs/ETA/IIP_kapoor_sharma_workingpaper_070815.pdf.
- Kassner, Gillian (2012) China's IP Reform: State Interests Align with Intellectual Property Rights. Available at: <http://jolt.law.harvard.edu/digest/patent/chinas-ip-reform-state-interests-align-with-intellectual-property-protection-again>.
- Khanna, Aman Raj and Hemant Krishan Singh (2015) "India's IPR Regime: Reconciling Affordable Access with Patent Protection". Strategic Studies Programme, Indian Council for Research on International Economic Relations (ICRIER). Available at: http://www.indiaenvironmentportal.org.in/files/file/India's_IPR_Regime.pdf.
- Kim, Linsu (2003) Technology Transfer and Intellectual Property Rights: The Korean Experience. ICTSD and UNCTAD *Issue Paper* No. 2. Available at: http://www.ictsd.org/downloads/2008/06/cs_kim.pdf.
- Kim, Yee Kyoung, Keun Lee and Walter G. Park (2006) Appropriate Intellectual Property Protection and Economic Growth in Countries at Different Levels of Development. Paper was presented at the International Conference organized by the Korean Economic Association, August, Seoul, Korea. Available at: <https://www.american.edu/cas/faculty/wgpark/upload/Intellectual-Property-Rights.pdf>.
- Kiran, Ravi and Sunita Misra (2009) "Changing Pragmatics of Indian Pharmaceutical Industry in Pre & Post TRIPS Period". *International Journal of Business & Management* 4(9), p. 206-220.
- Kiran, Ravi and Sunita Misra (2011) "Research and Development, Exports and Patenting in the Indian Pharmaceutical Industry: a Post-TRIPS Analysis." *Eurasian Journal of Business and Economics* 4 (7), p. 53-67.
- Kumar, Nagesh (2003) "Intellectual Property Rights, Technology and Economic Development: Experiences of Asian Countries." *Economic and Political Weekly*, Vol. 38, No. 3, pp. 209-215+217-226.
- Kumar, Nagesh and Java Prakash Pradhan (2003) "Economic Reforms, WTO and Indian Drugs and Pharmaceuticals Industry." Paper presented at the Seminar on Economic Reforms and Health Sector in India, Centre for Multi-Disciplinary Development Research (CMDR) in Dharward on Feb. 11-12.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2005) Promoting IPR Policy and Enforcement in China: Summary of OECD-China Dialogues on Intellectual Property Rights Policy and Enforcement. Available at: <https://www.oecd.org/sti/sci-tech/34954053.pdf>.

- Ostergard, Robert L. (2014) "Economic Growth and Intellectual Property Rights Protection: A Reassessment of the Conventional Wisdom." In Daniel J Gervais, ed. *Intellectual Property, Trade and Development: Strategies to Optimize Economic Development in a TRIPS-Plus Era*. Oxford: Oxford University Press, p. 3-40.
- Park, Walter and Douglas Lippoldt (2003) "The Impact of Trade-Related Intellectual Property Rights on Trade and Foreign Direct Investment in Developing Countries." OECD Trade Policy Working Paper. Available at: <http://www.oecd.org/trade/traddev/2960051.pdf>.
- Park, Walter and Douglas Lippoldt (2004) "International Licensing and the Strengthening of Intellectual Property Rights in Developing Countries." OECD Trade Policy Working Paper No.10. Available at: [http://webdomino1.oecd.org/olis/2004doc.nsf/Linkto/td-tc-wp\(2004\)31-final](http://webdomino1.oecd.org/olis/2004doc.nsf/Linkto/td-tc-wp(2004)31-final).
- Ray, Amit Shovon and Saradindu Bhaduri (2008) Co-evolution of IPR Policy and Technological Learning in Developing Countries: A Game-theoretic Model. Paper presented in the IV Globelics Conference at Mexico City, September 22-24. Available at: https://smartech.gatech.edu/bitstream/handle/1853/36863/Amit_Shovon_Co_evolution.pdf?sequence=1&isAllowed=y.
- Rea, Teresa Stanek (2013) Intellectual Property Trends and Developments with China. Available at: <https://www.uspto.gov/about-us/news-updates/intellectual-property-trends-and-developments-china>.
- Sattar, Abdul and Tahir Mahmood (2011) "Intellectual Property Rights and Economic Growth: Evidence from High, Middle and Low Income Countries." *Pakistan Economic and Social Review*, vol. 49, no. 2, Winter, p. 163-186.
- Schiappacasse, Mikhaelle (2004) "Intellectual Property Rights in China: Technology Transfers and Economic Development." *Buffalo Intellectual Property Law Journal*, Vol. 2, Summer, p. 164-185.
- Suttmeier, Richard P. and Xiangkui Yao (2011) China's IP Transition: Rethinking Intellectual Property Rights in a Rising China. *The National Bureau of Asian Research Special Report No. 29*.
- United States International Trade Commission (2011) China: Effects of Intellectual Property Infringement and Indigenous Innovation Policies on the U.S. Economy. Available at: <https://www.usitc.gov/publications/332/pub4226.pdf>.
- <http://webdomino1.oecd.org>.
- <http://www.ictsd.org>.
- <http://www.indiaenvironmentportal.org.in>.
- <https://www.american.edu>.
- <https://www.oecd.org>.
- <https://www.usitc.gov>.
- <https://www.uspto.gov>.
- www.wipo.int.